

Evaluation of the Performance of Public Defenders in the Defense of Those Accused of Intentional Murder Challenges and Solutions

Saeed Ghaedi*

Ph.D. student of criminal law and criminology, Faculty of Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

Fazlullah Foroughi

Associate Professor of Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Shabnam Jahangiri

Ph.D. student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Abstract

The Criminal Procedure Law of 2013 aims to safeguard the interests and defense rights of the accused by establishing criteria for fair proceedings. From the legislator's perspective, access to a lawyer for those accused of intentional murder is an essential requirement, grounded in principles such as equality before the law, prevention of judicial errors, protection against wrongful convictions, and ensuring citizens' equitable access to justice. However, the substandard performance of public defenders—one form of judicial assistance—has undermined these legislative goals. This article examines and evaluates the effectiveness of public defenders in representing accused individuals in murder cases. Its central question is: What deficiencies impair public defenders' performance in such cases, and what solutions can address these challenges?

To answer this, the study adopts a qualitative approach, analyzing 22 cases of intentional homicide and conducting in-depth interviews with 32 criminal justice stakeholders, including judges, public and private lawyers, police chiefs, and individuals accused or convicted of intentional homicide. The findings reveal significant shortcomings in public defenders' performance: ineffective and generalized defenses (e.g., accepting charges without contest, passivity toward legal defenses, silence on expert opinions, failure to challenge arrest orders, and reliance on perfunctory or no appeals); frequent absences despite repeated notices; lack of meaningful engagement with the accused; reluctance to confront judges or challenge expediency; and avoidance of negotiations with victims' families to secure their consent.

Addressing these issues requires rigorous oversight of public defenders' performance, increased financial and institutional support, specialization in public defense, enhanced collaboration between judges and lawyers, and enforcement of professional standards.

Key words: fair trial, public defenders, defendants, murder, judicial procedure.

* **Email:** saeedghaedilaw@gmail.com (Corresponding Author)



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی
مقاله پژوهشی، دوره ۲۹، شماره ۱۰۷، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۱۱۵ تا ۱۵۶
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۷

ارزیابی عملکرد وکلای تسخیری در دفاع از متهمان قتل عمد؛ چالش‌ها و راهکارها

|سعید قائدی*| دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه

علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ایران.

|فضل‌الله فروغی| دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم

سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

|شبنم جهانگیری| دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم

سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ کوشیده است با شناسایی معیارهای دادرسی منصفانه، گام‌های مؤثری در راستای حمایت از منافع و حقوق دفاعی متهمان بردارد. از منظر قانون‌گذار، دسترسی متهمان قتل عمد به وکیل تسخیری ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و مبتنی بر بنیان‌هایی همچون برابری در برابر قانون، جلوگیری از اشتباهات قضائی و محکومیت بی‌گناهان و تضمین دسترسی عادلانه شهروندان به عدالت است. با این حال، غیراستاندارد بودن خدمات ارائه‌شده توسط وکلای تسخیری، به‌عنوان یکی از اشکال معاضدت‌های قضائی، مانع تحقق اهداف قانون‌گذار از این نهاد حمایتی شده است. مقاله پیش‌رو با هدف بررسی و ارزیابی عملکرد وکلای تسخیری در دفاع از متهمان پرونده‌های قتل عمد تدوین شده است. پرسش اصلی پژوهش این است که عملکرد وکلای تسخیری در این گونه پرونده‌ها با چه آسیب‌هایی مواجه است و چه راهکارهایی می‌توان برای

برون رفت از وضعیت موجود و کاهش این چالش‌ها ارائه کرد؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، پژوهش از رویکرد کیفی بهره گرفته و بر پایه مطالعه دقیق ۲۲ پرونده قتل عمد و مصاحبه عمیق با ۳۲ نفر از کنشگران نظام عدالت کیفری، شامل قضات، وکلای تسخیری و تعیینی، رؤسای پلیس آگاهی، متهمان و محکومان قتل عمد، انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین آسیب‌های مرتبط با عملکرد وکلای تسخیری، دفاعیات کلی و غیرمؤثر (از طریق پذیرش اتهام، انفعال در برابر معاذیر قانونی، سکوت در قبال نظریه‌های کارشناسی، عدم اعتراض به قرار بازداشت و امتناع از فرجام‌خواهی یا فرجام‌خواهی کلیشه‌ای)، عدم حضور علی‌رغم اخطارهای متوالی، فقدان تعامل سازنده با متهم، مصلحت‌گرایی و عدم چالش با قضات و اجتناب از تعامل و مذاکره به منظور جلب رضایت اولیای دم، است. کاستن از چالش‌های موجود نیازمند نظارت و کنترل دقیق بر عملکرد وکلای تسخیری، حمایت و پشتیبانی مالی از آنان، تخصصی‌سازی وکالت تسخیری، بهسازی تعامل میان قضات و وکلا و تقویب استانداردهای حرفه‌ای است.

واژگان کلیدی: دادرسی منصفانه، وکیل تسخیری، متهمان، قتل عمد، رویه قضائی.

مقدمه

تأمین و تضمین حقوق دفاعی متهمان^۱ از موجبات دادرسی منصفانه^۲ است. ازجمله مهم‌ترین این حقوق، حق داشتن وکیل در فرایند کیفری است.^۳ حضور وکیل در این فرایند اهمیت بسیاری دارد، زیرا از یک سو، به عنوان یاور دادرس شناخته می‌شود و از سوی دیگر، در اجرای عدالت و تأمین حقوق متهم نیز سودمند است (میرکمالی، ۱۴۰۱: ۹۵). این حق در سطح ملی، در قالب اسناد فرادستی^۴ و به عبارتی اساسی‌سازی حق داشتن

1. criminal defendant's right

2. fair trial

۳. این حق لازمه و مقدمه اجرای مطمئن حق دیگری است که در اسناد حقوق بشری «حق دفاع» نامیده می‌شود (سلیمیان و احمدیان، ۱۳۹۴: ۴۹). به لحاظ ماهیتی این حق در تقسیم چهارگانه «هوفلد» (Hohfeld) از حق، در زمره حق - ادعا (claim-right) قرار می‌گیرد (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۸: ۲۷).

4. supra legislative

وکیل در قوانین اساسی و نیز قوانین عادی^۱ نظیر قانون آیین دادرسی کیفری و در سطح فراملی، در اسناد بین‌المللی - منطقه‌ای، حمایت شده است. در حقوق ایران نیز در کنار اصول قانون اساسی، همواره در قوانین موسوم به آیین دادرسی کیفری و نیز قوانین فرعی نظیر قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ که در صدد شناسایی اصول و قواعد دادرسی منصفانه هستند، این حق به رسمیت شناخته شده است (توجهی و کوره‌پز، ۱۳۹۷: ۷۷).

اهمیت حق برخورداری متهم از وکیل به نحوی است که اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی ضمن شناسایی آن، در مواردی نه تنها مداخله آن‌ها را الزامی اعلام کرده، بلکه متولیان رسیدگی به جرم را به اخذ وکیل برای متهم موظف ساخته است. در این راستا قانون‌گذار ایران در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ کوشش کرده است ضمن شناسایی معیارهای دادرسی عادلانه، گام‌های تأثیرگذاری در جهت حمایت از منافع و حقوق دفاعی متهم بردارد.^۲ در این میان، حق دسترسی به وکیل در مرحله پیش‌دادرسی و بلافاصله بعد از تحت نظر قرار گرفتن متهم، به رسمیت شناخته شده است و در طول فرایند تحقیقات جنایی، ضمن لزوم تفهیم این حق به متهم، در برخی مجازات‌ها از جمله سلب حیات، در صورت عدم معرفی وکیل توسط متهم، مقام تحقیق، به تعیین وکیل تسخیری ملزم شده است.

ارزیابی و مقایسه عملکرد و برآیند دفاع وکلای تعیینی^۳ و وکلای تسخیری^۴ نتایج متفاوتی را حاصل می‌شود. ارزیابی غالب این پژوهش‌ها حکایت از آن دارد که وکالت

1. legislative

۲. تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، رعایت این حق با محدودیت‌های خاصی مواجه بود، از جمله این که نه تنها استفاده از وکیل تسخیری و معاضدت در مرحله تحقیقات مقدماتی برای متهم پیش‌بینی نشده بود، بلکه وکیل اصولاً حق دخالت در تحقیقات مقدماتی را نداشت و صرفاً در پایان تحقیقات می‌توانست نکاتی را که جهت دفاع از حقوق موکل ضروری باشد به مقام تحقیق ارائه دهد (قدسی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۰).

3. private attorneys

4. public defenders

تعیینی، نتایج بهتری برای متهم در پی دارد (Houlden & Balkin, 1985: 176). در تحقیقات دیگر به نهاد وکالت تسخیری به دیده تردید و بدگمانی نگاه می‌شود.^۱ گویی این نهاد تمایل دارد که تحویل‌دهنده به زندان باشد (Mcintyre, 1987: 2).^۲ در مقابل برخی بر این دیدگاه هستند که پژوهش‌های اشاره‌شده، همه متغیرها از جمله نوع بزه، سوابق کیفری یا قرار تأمین کیفری را که ممکن است در نتیجه دفاع تأثیر چشمگیری داشته باشد، در برنمی‌گیرد (Sterling, 1983: 28). این دسته معتقدند که بخشی از مطالعات دلالت بر آن دارد که متهمان برخوردار از وکیل تسخیری نسبت به کسانی که از وکلای خصوصی یا تعیینی بهره‌مندند، وضعیت بدتری ندارند (Rattner, Turjeman & Fishman, 2008: 45). «اسکولنیک»^۳ معتقد است که منتقدان تمایل دارند کیفیت دفاع ارائه‌شده از سوی وکلای تسخیری را ناکارآمد جلوه دهند (Skolnick, 1967: 67). نتایج مطالعات اخیر حتی گویای آن است که وکلای تسخیری، دفاعی مؤثرتر و باارزش‌تر از هم‌تایان تعیینی خود ارائه می‌دهند (Rattner et al., 2008: 44). در مطالعات دیگر که در سال ۲۰۰۸ با هدف بررسی پیامد خصوصی و تسخیری بودن وکیل بر دو مرحله محکومیت^۴ و تعیین مجازات^۵ انجام شد، نتایج حاصل گویای آن است که این متغیر در میان سایر عوامل تأثیرگذار در این دو مرحله، تأثیر چندانی ندارد (Rattner et al., 2008, 47).^۶

1. public defender, P.D., stands for penitentiary deliverer

۲. تلقی غالب نیز بر آن است که به جهت ارائه خدمات رایگان، کیفیت آن نیز پایین است. به عبارتی، «معادل آنچه پرداخت کنی، به دست می‌آوری، You get what you pay for».

3. Skolnick

4. conviction

5. sentencing

۶. در پژوهشی دیگر در سال ۲۰۰۰ با محوریت تأثیر نژاد بر شدت محکومیت با کنترل نوع جرم و سابقه کیفری متهم، این نتیجه به دست آمد که هیچ تفاوتی میان وکلای تسخیری و تعیینی در احتمال محکوم شدن موکلان آن‌ها وجود ندارد (Spohn & Delone, 2000: 30). با این حال اما در ایران، تفاوت در اندک مطالعات انجام‌شده چشمگیر است، در این راستا پژوهش‌هایی در خصوص عملکرد وکلای تسخیری در پرونده‌های مواد مخدر نسبت به متهمان فقیر انجام شده است که یافته‌های آن‌ها حکایت از وضعیت نامطلوب وکلای تسخیری در ارائه دفاعیات مؤثر دارد (امیدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱-۲۶).

اهمیت نقش وکلای تسخیری در پرونده‌های قتل عمد به جهات مختلف از جمله مجازات سلب حیات و لزوم احتیاط در دماء، نگارندگان را بر آن داشت تا به بررسی میدانی این موضوع بپردازند. صرف نظر از تحلیل و ارزیابی عملکرد وکلای تعیینی متهمان قتل عمد که در نوشتار حاضر به صورت گذرا، موجز و در مقام مقایسه گاهی اشاراتی بدان می شود، دغدغه اصلی پژوهش حاضر ارزیابی عملکرد وکلای تسخیری در دفاع از متهمان قتل عمد و آسیب شناسی آن است. به این منظور، با اتخاذ رویکرد کیفی^۱ و با هدف کاربردی درصدد است از طریق مطالعه اسناد و مدارک مربوط به ۲۲ فقره پرونده قتل عمد و مصاحبه با ۳۲ نفر از قضات، وکلا، رؤسای پلیس آگاهی، متهمان و محکومان قتل عمد^۲، به ارزیابی عملکرد وکلای تسخیری بپردازد. برای نیل به این هدف بنیادی، به دنبال پاسخ گویی به پرسش هایی هستیم: نخست، عملکرد وکلای تسخیری در دفاع از متهمان قتل عمد چگونه است؟ دوم، آیا عملکرد آن ها سنجیده و منطبق با اصول، اخلاق و آداب حرفه ای وکالت و توأم با دفاعیات مؤثر و علمی است؟ سوم، خلأ، نارسایی و آسیب ها در صورت وجود دفاعیات کلی و کلیشه ای چیست؟ چهارم، رویکرد اصلاح مدار وضعیت موجود مبتنی بر چه راهکارهایی است؟ از این رو ساختار پژوهش در سه بخش سامان داده شده است. در ابتدا مفهوم و مبانی توجیهی وکیل تسخیری مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد. در بخش دوم، از چالش های عملکرد وکلای تسخیری در دفاع از متهمان قتل عمد سخن به میان آمده و در بخش نهایی، راهکارها در جهت بهبود عملکرد موجود، به تصویر کشیده شده است.

۱. پژوهش کیفی، پژوهشی است که بخش عمده یافته های آن، تفسیری و تحلیلی بود و با توسل به عملیات آماری یا سایر روش های کمی و شمارشی به دست نیامده است (استراوس و کرین، ۱۳۹۰: ۲). ابزار مطالعه کیفی، مصاحبه عمیق بوده که شامل گفت و گوی فشرده، طولانی و چهره به چهره با تعدادی از کنشگران به منظور کشف دیدگاه های آنان درباره یک ایده، پدیده یا یک وضعیت خاص است (Boyce & Neale, 2006: 3).

۲. نگارندگان از آمار کمی یاد شده با ذکر شماره پرونده و مصاحبه شونده در پژوهش کنونی استفاده کرده اند و آمار تعداد پرونده های مطالعه شده و مصاحبه های انجام یافته، بیش از میزان یاد شده است.

۱. وکیل تسخیری؛ مفهوم و مبانی

به وکالتی که بدون قرارداد با موکل، از طرف دادگاه (در امور کیفری) به وکیل ارجاع شده باشد، اصطلاحاً وکالت تسخیری می‌گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳: ۲/۷۵۳). با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در تبصره ۲ ماده ۱۹۰ به لزوم تعیین وکیل تسخیری در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات یا حبس ابد است و متهم اقدام به معرفی وکیل نکرده، اشاره شده است. لزوم تعیین وکیل تسخیری در جرائم با مجازات سلب حیات که اغلب در قتل عمد است، برای نخستین بار به مرحله تحقیقات مقدماتی تسری یافته و جزو وظایف مقام تحقیق است. ملاحظه مقررۀ یادشده و مواد مشابه^۱ مفهوم وکیل تسخیری از نگاه قانون‌گذار را با تعریف ارائه‌شده مشابه می‌سازد.^۲

یکی از پرسش‌های مطرح در نظام عدالت کیفری این است که مبانی توجیه‌کننده مداخله وکیل تسخیری در رسیدگی‌های کیفری چیست؟ پاسخ به این پرسش اساسی را می‌توان در اصول، مبانی و معیارهای حقوق بشر، اصول راهبردی سیاست جنایی و آموزه‌ها و آورده‌های جرم‌شناسی، جست‌وجو کرد (عارفی و امید، ۱۳۹۸: ۱۶۷؛ باقری‌نژاد، ۱۴۰۱: ۳۹۹). این حق مبتنی بر بنیان‌هایی است که برخی از آن‌ها با حق برخورداری از وکیل مدافع تعیینی مشترک است که از جمله مبانی عمومی، «فرض برائت متهم»^۳، «اصل تساوی سلاح‌ها»^۴ و «اصل برابری شهروندان در برابر قانون»^۵ است. نگارندگان در این بخش پس از اشاره‌ای کوتاه به مبانی مشترک، به مبانی افتراقی حق برخورداری از وکیل تسخیری می‌پردازند.

۱. ر.ک. ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲.

۲. هرچند که تصویب این تبصره گامی در جهت تأمین حقوق دفاعی متهم در دادرسی محسوب می‌شود، اما برخلاف اطلاق اصل ۳۵ قانون اساسی، قانون‌گذار تعیین وکیل تسخیری را به مجازات‌های سلب حیات و حبس ابد محدود کرده است (قدسی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۵).

3. presumption of innocence

4. equality of arms

5. the principle of equality of citizens before the law

۱-۱. مبانی مشترک

یکی از مبانی عمومی حق برخورداری متهم از وکیل، فرض بی گناهی متهم به عنوان یکی از حقوق بنیادین است که خود دارای مبانی اشتراکی با سایر حقوق اساسی بشر است. اصل برائت یا فرض بی گناهی متهم^۱ دارای آثار متعددی در ارتباط با حقوق دفاعی متهم است که مهم ترین آن حق داشتن وکیل مدافع و تأمین امکانات دفاعی لازم برای متهم است. این اصل یکی از اصول مترقی است که دارای سابقه‌ای طولانی است و به طور کلی بیانگر این مهم است که متهم تکلیفی در ارائه دلیل بر بی گناهی خود ندارد که موجب علم و اقناع وجدان قاضی شود (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۵۰)، مقام تعقیب کننده باید نزد دادگاه بی طرف ارکان جرم را به اثبات برساند و دلایل کافی علیه متهم ارائه دهد (قنبری، ۱۳۸۱: ۱۱۳).

اصل تساوی سلاح‌ها یکی دیگر از مبانی مشترک حق برخورداری متهم از وکیل مدافع است. مقصود از این اصل آن است که متهم بتواند به میزان و کیفیتی که مقامات تعقیب، تحقیق و رسیدگی از امکانات و ابزارهای قانونی و قضائی برخوردارند، وی نیز از فرصت مواجهه با ادله اتهامی و جرح و رد آنها و ارائه دلایل دال بر بی گناهی خود بهره‌مند باشد تا از این رهگذر موازنه قوا حاصل شود. از نظر کمیسیون اروپایی حقوق بشر^۲ حضور نماینده دادرسی و عدم دعوت از متهم یا وکیل او در مرحله تجدیدنظر در مواردی که رسیدگی ماهوی صورت گرفته و حکم صادر شده، نقض آشکار اصل برابری سلاح‌ها و نادیده گرفتن منصفانه بودن محاکمه است (امیدی، ۱۳۸۲: ۱۲۱). بی تردید، یکی از راه‌های تحقق تساوی طرفین در فرایند کیفری، حق استفاده متهم از خدمات قضائی و تخصصی وکلای دادگستری است (Van Dijk & Van Hoof, 2006: 436؛ نیازپور، ۱۳۸۶: ۹۶). درواقع وکلای دادگستری با توجه به تخصص خود می‌توانند موقعیت متهم را

۱. برخی از حقوق دانان بر این باورند که فرض بی گناهی دقیق تر است (آشوری، ۱۳۷۸: ۴۸)، زیرا افزون بر آنکه معادل انگلیسی آن (presumption) آشکارا گویای برتری «فرض» بر «اصل» است، در اصل همیشه با یک استثنا مواجهیم و بر مبنای غلبه است که یک اصل تأسیس می‌شود، حال آنکه برائت نباید استثناء پذیر باشد (آخوندی، ۱۳۹۴: ۵۰).

در برابر دادستان و شاکی که از امکانات عمومی و خصوصی برخوردارند و در قید قراردادهای تأمین کیفری هم نیستند، بهبود ببخشند (Jayawickrama, 2002: 493).

از مهم‌ترین مبانی مشترک حق برخورداری متهم از وکیل، اصل برابری شهروندان در برابر قانون است که در اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها مورد اشاره قرار گرفته است (Ashworth, 2010: 239). این اصل به معنای توزیع برابر حقوق و مسئولیت‌های شهروندی در مقام قانون‌گذاری و اجرای قوانین بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های طبیعی و عرضی همچون جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، مذهب و موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در تصمیم‌گیری‌های تقنینی، قضائی و اجرایی است (امیدی، ۱۳۸۲: ۴۳). اصل نوزدهم قانون اساسی ایران، ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در سطح بین‌المللی به این اصل توجه کرده‌اند. با وجود این، متهمان قتل عمد به لحاظ شنیع بودن جنایات آن‌ها، همواره توسط مقامات نظام عدالت کیفری به‌ویژه پلیس در معرض رفتارهای تبعیض‌آمیز قرار می‌گیرند. این تبعیض^۱ که گاهی به صورت مستقیم^۲ و در مواردی نیز غیرمستقیم^۳ است، یکی از موارد نقض اصل برابری است.

۲-۱. مبانی افتراقی

هدف اصلی از فرایند عدالت کیفری، دسترسی به عدالت و اجرای آن است. این دسترسی دربردارنده انواع و ابعادی از حقوق بنیادین بشر از جمله حق بر دادرسی منصفانه است که دولت‌ها مکلف به تأمین آن هستند (Boillat & Qflaherty, 2016: 16). از این رو ضروری است هر ابزاری که به ایجاد و تقویت عدالت کمک می‌کند توسط قانون‌گذاران پیش‌بینی و از سوی دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری اجرا شود. در این راستا اهمیت نقش وکیل تسخیری هنگامی که در مقام دفاع از فردی است که مظنون به ارتکاب جرم است، آشکار می‌شود. این اهمیت در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات است، دوچندان

-
1. discrimination
 2. direct Discrimination
 3. indirect discrimination

می‌شود، چه آنکه اشتباه قضائی به سلب حیات متهم بی‌گناه منجر می‌شود. بر این اساس، یکی از علل توجیهی حق دسترسی متهم به وکیل تسخیری، «پرهیز از اشتباهات قضائی و جلوگیری از محکومیت بی‌گناهان» است. در این راستا نکته حائز اهمیت آن است که صرف حضور وکیل در فرایند رسیدگی کیفری کافی نبوده و آنچه مفید و ضروری است حضور مؤثر وی است. از این رو در برخی مطالعات «وکالت کردن بد»^۱ و «دفاع غیر مؤثر وکیل مدافع»^۲، از جمله علل شایع محکومیت اشتباه دانسته شده است (Turvey & Cooley, 2014: 255).

تعهد دولت برای دسترسی عمومی شهروندان به عدالت، یکی دیگر از مبانی حق برخورداری متهم از وکیل تسخیری یا دسترسی به اوست. در این راستا بند ۹ اصل سوم قانون اساسی ایران در مقام ایجاد و تبیین وظایف دولت مقرر می‌دارد: «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» و در بند ۱۴ اصل اخیر اضافه می‌کند: «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عمومی در برابر قانون». در راستای اجرایی کردن بندهای اشاره شده، قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۳۴۷ مقرر داشته است که در صورت عدم تمکن مالی متهم و درخواست او از دادگاه، برای وی وکیل تعیین می‌شود. به این ترتیب، دولت مکلف است نسبت به پاسداشت و تضمین این حق اقدام کند و بسترهای عملی و اجرایی آن را فراهم و بودجه مناسب جهت دسترسی و برخورداری متهم از وکیل تسخیری تخصیص دهد. با وجود این، وجود تفاوت فاحش میان مجموع بودجه نظام عدالت کیفری و بودجه اختصاص یافته برای دفاع از اشخاص بی‌بضاعت، نشان‌گر آن است که دولت‌ها در زمینه دسترسی شهروندان به عدالت، در ادای مسئولیت خود کوتاهی می‌کنند، برای نمونه، در حالی که بودجه دستگاه قضائی آمریکا سالانه یکصد بیلیون دلار است، تنها حدود ۲ تا ۳

1. bad lawyering

2. ineffective assistance of counsel

درصد آن، صرف دفاع از اشخاص فقیر می‌شود (Backus & Marcus, 2005: 20).^۱

۲. چالش‌ها

قانون‌گذار در تبصره ۲ ماده ۱۹۰ و ماده ۳۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مرجع قضائی را مکلف کرده است که در صورت عدم معرفی وکیل از سوی متهم، اقدام به تعیین وکیل تسخیری کند.^۲ بعد از تعیین که اغلب از طریق قانون وکلای دادگستری یا مرکز وکلای قوه قضائیه معرفی می‌شود،^۳ حضور وکلای تسخیری در مرجع قضائی و ارائه دفاع مؤثر به منظور حمایت از حقوق متهم ضروری است. با این حال در رویه قضائی، عملکرد وکلای تسخیری همراه با چالش‌هایی است که بی‌توجهی به رفع و بهبود آن، تضییع حقوق دفاعی متهمان و حصول اشتباهات قضائی را به دنبال دارد.^۴ در ادامه، مهم‌ترین این چالش‌ها بررسی خواهد شد.

۲-۱. عدم حضور علی‌رغم اخطار متوالی

قانون‌گذار تکالیفی را درخصوص متهمان قتل عمد که با مجازات سلب حیات مواجه‌اند، بر عهده مراجع قضائی و وکلا قرار داده است. براساس این تکالیف، عدم توجه مقام قضائی به تعیین وکیل تسخیری و همچنین عدم حضور وکیل تسخیری در جلسات رسیدگی،

۱. در ایران به جهت محدودیت‌های موجود بر سر راه اجرای پژوهش‌های کیفی و همراهی نکردن دستگاه‌های مرتبط، امکان بررسی و ارزیابی آن میسر نیست.

۲. در رویه قضائی، شعب ویژه قتل عمد به موجب تکلیف مقرر در تبصره ۲ ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری، برای متهم وکیل تسخیری تعیین می‌کنند و این وکیل، وکیل متهم در دادگاه تا فرایند اجرای حکم است.

۳. گفتنی آنکه مواد ۱۹۰ و ۳۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری، مقام قضائی را به تعیین وکیل مکلف کرده است، ولی در عمل اغلب جهت رعایت عدالت و ایجاد نظم در به کارگیری و استفاده از ظرفیت همه وکلا، مکاتباتی با قانون یا مرکز وکلا جهت معرفی وکیل تسخیری انجام می‌شود.

۴. نگارندگان معتقدند پیش‌بینی وکیل تسخیری در جرائم مهم برای کمک به دستگاه قضائی و جلوگیری از محکومیت بی‌گناهان است. از این رو، نخستین متضرر دفاع ضعیف وکلای تسخیری، دستگاه قضائی خواهد بود و رفع این چالش‌ها نیازمند اقدام اولیه از سوی این دستگاه است.

مطابق ماده ۱۴ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ و ماده ۷۸ آیین نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴، تخلف انتظامی محسوب می شود. به رغم نصوص یادشده و با وجود اینکه الزامات حرفه ای وکلای دادگستری شامل مواردی از جمله عدم قصور در انجام موضوع وکالت و حضور در جلسات دادرسی و عدم اطاله دادرسی است (خزایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۹)، گاهی مشاهده می شود که برخی وکلای تسخیری نسبت به حضور در جلسات رسیدگی و انجام وظایف وکالتی خود بی توجهی می کنند. این در حالی است که با توجه به نوع و اهمیت اتهام، هرگونه عذر ناموجه در این خصوص قابل پذیرش نیست. در پرونده شماره ۱۴۰۱۱۲۹۲۰۰۰۵۱۶۴۰۰۶، شعبه بازپرسی با ارسال اخطاریه های متعدد به وکیل تسخیری، وی را ملزم کرده است که ظرف مهلت مقرر در دفتر شعبه حضور یابد، پرونده را مطالعه و لایحه دفاعی ارائه کند. با این حال، علی رغم اعلام تخلف ناشی از عدم حضور، وکیل تسخیری همچنان از انجام این تکلیف قانونی خودداری کرده است. این بی توجهی، صرف نظر از عدم ارائه دفاع مؤثر و به موقع، اصل رسیدگی در مدت معقول یا تسریع در تحقیقات جنایی را مخدوش و اطاله رسیدگی را در پی دارد (کارخانه و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۴۳). در پرونده یادشده، شعبه مربوطه مجدداً مراتب را به کانون وکلا جهت معرفی وکیل جایگزین اعلام کرده که موجب تأخیر و اطاله دوماهه پرونده تا زمان مطالعه شده است.^۱ مصاحبه شونده شماره ۵ مقرر می دارد:

اغلب وکلای تسخیری با یک مرتبه اخطار جهت مطالعه پرونده در شعبه حاضر نمی شوند و گاهی تا سه نوبت نیز ابلاغ می شود. جایگزینی نیز زمان بر است. وقتی اکثر وکلای تسخیری رعایت نمی کنند، اعلام تخلف در موارد فراگیر، نه تنها موجب اصلاح رویکرد نمی شود که مقام قضائی را از وظیفه اصلی دور کرده و از بی طرفی خارج می کند.

۱. در عمل، علاوه بر شعب بازپرسی و قبل از اخطار آنها، کانون وکلا یا مرکز وکلا نیز در مواردی که یکی از وکلا را به عنوان وکیل تسخیری معرفی می نماید، ضمن دعوت از وکیل، نسخه ای از مکاتبه با شعب بازپرسی را تحویل وی داده و ایشان را در جریان معرفی قرار می دهد.

۲-۲. ضرورت تعامل با متهم

بی‌تردید، مذاکره و تعامل مستقیم و مستمر بین وکیل و موکل نتایج اثربخش و مثبتی به دنبال دارد که اهم آن تأمین منافع موکل و رعایت حقوق دفاعی اوست. فقدان تعاملات حقوقی کلامی میان وکیل تسخیری و متهم، به‌ویژه در پرونده‌های قتل عمد، دستگاه قضائی را از فواید حضور وکیل تسخیری محروم و موجبات تشریفاتی شدن فرایند انتخاب و مداخله وکیل می‌شود. یکی از مؤلفه‌های اصلی تعامل و هماهنگی حداکثری بین وکیل و متهم در پرونده‌های قتل عمد، ملاقات رودررو، چهره‌به‌چهره و استماع حقیقت از زبان متهم است. نگرشی بر پرونده‌های قتل عمد نشان می‌دهد که بسیاری از وکلای تسخیری تمایلی به ملاقات با متهمان ندارند. در این خصوص به پرونده‌های شماره ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰۰۷۴۷۲۱۲، ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰۰۱۰۶۸۷۹۹، ۱۴۰۱۱۲۹۲۰۰۰۳۴۴۰۳۲۶، ۱۴۰۱۱۲۹۲۰۰۰۴۹۷۹۵۶۰، ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰۰۴۸۸۳۶۶۶ و ۱۴۰۱۱۲۹۲۰۰۰۳۸۰۴۷۲۶ اشاره می‌شود که وکلای تسخیری پا را از اخلاق و آداب حرفه‌ای فراتر گذاشتند و حتی از طریق سامانه‌های الکترونیکی مجهز به ویدئو کنفرانس نیز تمایلی به ملاقات با متهم ندارند. در این خصوص با تعداد شش نفر از متهمان و محکومان قتل عمد (مصاحبه‌شوندگان ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰ تا ۳۲) مصاحبه شد. تمامی آن‌ها به‌طور مشترک اظهار داشتند که تاکنون وکیل تسخیری خود را ملاقات نکرده‌اند، برای مثال در گفته‌های مصاحبه‌شونده شماره ۲۸، به وضوح کنایه مستقیم او به وکیل و غیرمستقیم به مقامات نظام عدالت کیفری را شاهدیم. این متهم مقرر می‌دارد: «من وکیل را تا الان ندیدم و نمی‌دانم کیست، حتی اگر او را ببینم هم نمی‌شناسم. هیچ‌کاری برای من نکرده است. این چه وکیلی بوده که برای من تعیین شده است؟».

یکی از تبعات منفی عدم ملاقات، فقدان تعامل و هماهنگی کارآمد میان آن‌هاست. این در حالی است که پرونده‌های قتل عمد، از پیچیده‌ترین و مهم‌ترین پرونده‌ها محسوب می‌شوند و دارای جزئیات متعدد و مؤثر بر روند تحقیقات و کشف حقیقت است. بیان واقعیت‌ها و جزئیات توسط متهم، به‌ویژه در جریان مصاحبه مستقیم با وکیل، می‌تواند نقش مؤثری در روشن شدن حقیقت ایفا کند. این تعامل همچنین زمینه را برای دفاع مؤثر و

قضاوتی عادلانه و قانونی، با همکاری نزدیک وکیل و متهم، فراهم می‌سازد. امروزه با توجه به الکترونیکی شدن فرایند دادرسی کیفری، اغلب جلسات شعب ویژه قتل عمد و محاکم کیفری یک با متهم زندانی، از طریق تجهیزات الکترونیکی است. این رویکرد، علی‌رغم آثار مثبتی همچون سرعت در رسیدگی و کاهش هزینه‌های اقتصادی (مؤذن‌زادگان و عابدی، ۱۴۰۱: ۲۶۷)، از تبعات منفی نیز برخوردار بوده که از آن جمله می‌توان به سلب فرصت ملاقات و گفت‌وگو بین وکیل و متهم پیش از جلسه، یا حداقل در جلسه تحقیقاتی یا رسیدگی، و نیز عدم رعایت اصول تناظر و تساوی سلاح‌ها، اشاره کرد. به این ترتیب، برگزاری جلسه الکترونیکی از طریق سامانه‌های رایانه‌ای بدون توجه به حضور فعال وکیل تسخیری، اختلال در حقوق دفاعی متهم را به دنبال دارد. این آسیب مهم مورد توجه یکی از شعب دیوان عالی کشور نیز قرار گرفته است، برای نمونه در پرونده شماره ۱۴۰۱۱۲۹۲۰۰۴۳۶۷۴۹۳، دادگاه کیفری یک استان فارس، رشد و کمال عقلانی متهم نوجوان قتل عمد را احراز و حکم به قصاص او صادر کرده است، دیوان عالی کشور ضمن نقض دادنامه فرجام‌خواسته اشعار داشته است: «... فرایند تشکیل جلسه و رسیدگی به روش ویدئوکنفرانس و بدون حضور فیزیکی متهم در جلسه به منظور ارزیابی گفته‌ها و تحلیل شخصیتی وی بوده است...». در پرونده شماره ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰۰۷۴۷۲۱۲، کمیسیون روان‌پزشکی قانونی صرفاً از طریق ویدئوکنفرانس و بدون حضور وکیل، با متهم گفت‌وگو کرده بود، دادگاه کیفری یک تصریح کرد: «... هرچند کمیسیون‌های پزشکی قانونی مکرراً به فقدان رشد و کمال عقلانی متهم، متذکر شده‌اند، اما با توجه به تأکید مکرر بر ضرورت بررسی قوه تمیز و اراده متهم، لازم است به نحو حضوری از ایشان در حضور وکیل وی مصاحبه روانی به عمل آید...».

مصاحبه‌شونده شماره ۵، با تأیید این مسئله که وکلای تسخیری، حضوری تشریفاتی در محاکمات دارند، اظهار داشت:

بسیاری از وکلای تسخیری با موکل ملاقات نمی‌کنند، حضور آن‌ها اصولاً بعد از بازسازی صحنه قتل است، یعنی زمانی که شاکله پرونده شکل گرفته و تحقیقات تکمیل شده است، حتی در جلسات ویدئو کنفرانس، وکیل خواهان دیدن موکل

نیست و متهم نیز وکیل را نمی‌بیند، زیرا در این جلسات، در یک طرف مقام قضائی و در سوی دیگر متهم است.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۱ نیز بیان می‌کند: «حدود ده سال است که در شعبه ویژه قتل عمد پلیس آگاهی فعالیت دارم و به ندرت مشاهده کرده‌ام که وکلای تسخیری برای ملاقات و گفت‌وگو با موکل خود مراجعه کنند».

۳-۲. فقدان ارائه دفاعیات مؤثر

از آنجا که امارات و ادله جمع‌آوری‌شده علیه متهم، فرض بی‌گناهی وی را در معرض نقض قرار می‌دهند، در صورت عدم مداخله وکیل ممکن است مقامات دادرسی یا دادگاه چنین فرضی را در برابر ادله اتهامی کنار بگذارند. به چالش کشیدن اصالت و دلالت ادله توسط وکیل و در نتیجه تغییر موازنه به نفع براءت متهم می‌تواند سرنوشت پرونده را تغییر دهد (عارفی و امیدی، ۱۳۹۸: ۱۶۹). امروزه، آنچه در رویه عملی مشاهده می‌شود، فاصله قابل توجهی با آرمان توصیف‌شده دارد. بررسی پرونده‌های مورد استناد حکایت از آن دارد که وکلای تسخیری غالباً در ارائه دفاع مؤثر ناکام می‌مانند. این وکلا به جای تحلیل دقیق و ارائه دفاعیات تخصصی، با استناد صرف به اقرار موکل خود ضمن پذیرش اصل اتهام، دفاعیات کوتاه، کلی و بعضاً کلیشه‌ای ارائه می‌دهند. در این مبحث، عملکرد وکلای تسخیری در پرونده‌های قتل عمد، از منظر کیفیت و نوع دفاعیات آن‌ها بررسی خواهد شد.

۳-۲-۱. پذیرش اصل اتهام

وکلای تسخیری در مواجهه با پذیرش اتهام از سوی موکل، رویه گوناگونی را دنبال می‌کنند که جملگی، دفاعیات غیر مؤثر تلقی می‌شود. این رویکرد گاهی با سکوت و در مواردی با چانه‌زنی کلیشه‌ای همراه است. در پرونده شماره ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰۲۵۴۹۳۴، وکیل تسخیری مقرر می‌دارد: «با توجه به اقرار موکل به اینکه مرتکب قتل عمد شده است، دفاعیاتی ندارم و موکل همه حقایق را با جزئیات بیان نموده است». این اظهارات، اگر با تسامح به عنوان دفاع تلقی شود، نه تنها بی‌اثر و غیرمسئولانه است، بلکه خلاف آداب حرفه‌ای و وظایف وکالتی است و به جای دفاع از متهم، عملاً نقش شاکی یا دادستان را

نقش آفرینی کرده است (اکبری و شاکری، ۱۴۰۰: ۲۰۲). چنین دفاع منفعلانه‌ای باعث می‌شود که متهم خود را در برابر شاکی و دادستان بی‌پناه تصور کند و خدشه‌ای اساسی به اصل برابری و تعادل در موقعیت و تسهیلات دفاعی او وارد شود. این چالش در اظهارات مصاحبه‌شونده شماره ۱۶، به‌عنوان بازپرس پرونده، نیز مورد توجه قرار گرفته است. وی بیان می‌دارد:

انتظار می‌رفت وکیل درخصوص وضعیت روانی موکل خود در زمان ارتکاب قتل، دفاعی ارائه کند، چراکه متهم به استعمال مواد صنعتی اقرار کرده است. از سوی دیگر، متهم اظهارات راجع به عمد بودن اقدام خویش نداشته است و شایسته بود وکیل او حداقل از طرح چنین اظهاراتی مبنی بر اقرار به قتل عمد خودداری کند، به‌ویژه که این اقرار از لحاظ قانونی نیز فاقد اثر است.^۱

در مواردی، وکلای تسخیری با پذیرش اصل اتهام، صرفاً بر چانه‌زنی برای بهره‌مندی موکل از ارفاقات قانونی تمرکز می‌کنند. در پرونده شماره ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰۱۰۶۸۷۹۹ در پرونده شماره ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰۱۰۶۸۷۹۹ که در آن شخصی به قتل فرزند خود متهم شده، در لایحه دوسطری وکیل تسخیری آمده است: «درخصوص پرونده کلاسه ... نظر به اینکه موکل تحت تأثیر آزارهای مقتول بوده و همین امر نیز انگیزه ارتکاب قتل عمد است، تقاضای بخشش و اعلام رضایت از طرف ولی دم دارم». اگرچه این دفاع از حیث کوشش وکیل در راستای سازش و جلب رضایت، مؤثر است، اما بررسی اسناد و مدارک مرتبط توسط نگارندگان نشان داد که ولی دم پیش‌تر رضایت خود را اعلام کرده است. شایسته بود که وکیل تسخیری به عدم وجود شرایط تشریعی قصاص اشاره و بر این مبنا درخواست فک قرار بازداشت موقت موکل را (با توجه به تمدید مکرر بازداشت) ارائه می‌کرد یا به جهت رضایت شاکی و وضعیت خاص متهم، تخفیف مجازات را مطابق ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مطرح می‌کرد. از همین رو است که در برخی مطالعات، «دفاع غیر مؤثر وکیل مدافع»، ازجمله علل شایع محکومیت اشتباه دانسته شده است (Turvey & Cooley, 2014: 255).

۱. ماده ۱۶۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «اظهارات وکیل علیه موکل ... اقرار محسوب نمی‌شود. تبصره - اقرار به ارتکاب جرم قابل توکیل نیست».

۲-۳-۲. انفعال در برابر معاذیر قانونی

اسباب معافیت قانونی متعدد، حصری و واجد مبانی مختلفی‌اند. این سبب‌ها گاهی عینی و از فاعل رفع تقصیر می‌کنند (اسباب اباحه) و گاه ذهنی و رفع مسئولیت فاعل را به دنبال دارند (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۲۵۰). افزون بر این، عذرهای معاف‌کننده مجازات، تأثیری در تقصیر و مسئولیت فاعل ندارند و بنا بر ملاحظات مختلف موجب معافیت بزهکار از مجازات یا تبدیل آن به مجازات دیگری می‌شوند و فاقد عمومیت هستند (الهام و برهانی، ۱۳۹۳: ۱۸۰). در پرونده‌های قتل عمد که تصمیم‌گیری در آن‌ها متضمن سلب حیات است، ضروری است بررسی شمول یا عدم شمول معاذیر قانونی و تطبیق وضعیت متهم با آن‌ها با دقت و حساسیت بیشتری انجام شود، چه آنکه هرگونه لغزش در این فرایند می‌تواند مسیر قضات را از عدالت منحرف سازد. در این فرایند وجود وکلای کاردان، متعهد و قانونمند نقشی اساسی در پیشگیری از انحراف در دادرسی و وقوع اشتباهات قضائی دارد (دیوسالار و نجفی‌توانا، ۱۴۰۰: ۱۴۵).

با این حال، به‌ندرت مشاهده می‌شود که وکلای تسخیری در دفاعیات خود به معاذیر قانونی استناد کنند. در پرونده‌های قتل عمد، عذرهای رایجی همانند دفاع مشروع (در آشکال واقعی یا افراطی)،^۱ مستی، جنون و اعتقاد به مهدورالدم بودن مقتول وجود دارند که اغلب مورد توجه وکلای تسخیری قرار نمی‌گیرند. این انفعال نه‌تنها در مرحله تحقیقات مقدماتی، بلکه در جریان رسیدگی نیز مشهود است. در پرونده شماره ۱۴۰۱۱۲۹۲۰۰۱۹۴۴۱۹۸، متهم همواره اظهار داشته که مقتول ابتدا با سلاح سرد به وی حمله کرده و او پیش از هجوم مجدد، در دفاع از خود اقدام به قتل کرده است. با این همه، وکیل تسخیری بدون توجه به این ادعا و بدون بررسی امکان استناد به دفاع مشروع، اتهام موکل را پذیرفته و تمامی امید خود را به اعلام رضایت ولی دم معطوف کرده است. در پرونده شماره ۹۵۰۹۹۷۷۱۲۰۸۰۰۵۴۰ که در نهایت دادگاه موضوع را از مصادیق دفاع مشروع افراطی دانسته و حکم به انتفای قصاص صادر کرده،^۲ وکیل تسخیری متهم در

1. legitimate defense

۲. ر.ک. مواد ۱۵۶ و ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

جریان دادرسی تأکیدی بر این دفاع نداشته و نقش مؤثری در اقناع دادگاه به شمول این عذر قانونی ایفا نکرده است. در پرونده شماره ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰۰۵۴۸۵۲۵ که متهمان آن دو دختر جوان بوده‌اند، به دنبال ایدای مستمر مقتول، اقدام به قتل وی کرده‌اند. این موضوع به‌وضوح از مصادیق دفاع بیش از حد محسوب می‌شده است، اما هیچ‌یک از وکلای تسخیری متهمان به این دفاع استناد نکرده و نقشی در برجسته‌سازی این موضوع در روند دادرسی ایفا نکرده‌اند. چنین مواردی نشان می‌دهد که رفتار مجرمانه زمانی می‌تواند موجب معافیت شود که متهم از همراهی و کیلی مسلط، آگاه و متعهد بهره‌مند باشد (دیوسالار و نجفی‌توانا، ۱۴۰۰: ۳۱۸)، عدم استناد به معاذیر یادشده و در نتیجه فقدان تقاضای تحقیق پیرامون مؤلفه‌های اثرگذار، خلل جدی به اصل لزوم کشف حقیقت وارد می‌کند (ریاضت، ۱۳۹۴: ۱۸۸). از باب تطبیقی، در پرونده مشابهی با شماره ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰۰۴۶۰۸۹۵۳، متهم از وکیل تعیینی بهره‌مند بوده است، این وکیل با حضور فعال در جلسات و ارائه لوایح متعدد و مستدل، به دفاع مشروع موکل خود استناد کرده و همواره سعی در جلب نظر بازپرس رسیدگی‌کننده داشته است.

مصاحبه‌شونده شماره ۱۷ بر این باور است:

در اغلب موارد، وکلای تسخیری از مفهوم دفاع مشروع افراطی آگاهی کافی ندارند و حتی از تحولات قانونی سال ۱۳۹۲ نیز مطلع نیستند،^۱ به همین جهت دفاعی به استناد آن نمی‌کنند، البته نمی‌توان تمام تقصیر را به آن‌ها نسبت داد؛ چراکه وقتی وکیل تسخیری، با پیشینه‌ای حقوقی و بدون تجربه کیفری، ناگهان خود را درگیر یک

۱. پیش از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پیش‌بینی شرایط متعدد برای دفاع مشروع در حقوق کیفری ایران، روند احراز آن را برای رویه قضائی دشوار می‌کرد. با توجه به تفاوت صفر و صدی برائت و قصاص و عدم وجود راه میانه‌ای در این خصوص و سیاست جنایی قضائی که در مواردی بدون احراز تمامی شرایط دفاع مشروع به‌ویژه مراتب آن، مدافع را سزاوار قصاص نمی‌دانست، لزوم بازنگری تقنینی نمایان شد. قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و سیاست تقنینی خود، دفاع مشروع را با تحولاتی مواجه کرد و دفاع مشروع افراطی را پیش‌بینی کرد که در آن، جایی از قصاص معاف اما به مجازاتی خفیف‌تر محکوم می‌شود (قاندی، ۱۴۰۳: ۹۶).

پرونده قتل عمد می‌بیند، بدون آنکه حق انتخاب داشته باشد، انتظار معجزه از او غیرمنصفانه است.

۳-۳-۲. سکوت در قبال نظریه‌های کارشناسی

نظر کارشناسی، به عنوان دیدگاه یک فرد متخصص و مجرب، ابزاری کارآمد و مؤثر در حل و فصل دعاوی کیفری است که مقام قضائی از آن بهره می‌گیرد. با توجه به تخصصی شدن روزافزون علوم و مبانی حقوقی، اهمیت این نهاد بیش از هر زمان دیگری نمایان شده است (ساعی و ثقفی، ۱۳۹۲: ۹۰). این اهمیت به‌ویژه در پرونده‌های قتل عمد برجسته است، چه آنکه مقامات نظام عدالت کیفری موظف‌اند در تمامی این پرونده‌ها، حداقل از نظریات پزشکی قانونی بهره گیرند. در این میان، وکلای تسخیری به‌دلیل بی‌توجهی متهمان به نظریه‌ها و فقد دانش حقوقی آنان، بار اصلی دفاع مبتنی بر این نظریات را بر دوش دارند. غفلت از مفاد آن‌ها و بی‌توجهی به نکات کلیدی مندرج در نظریه‌ها، می‌تواند سرنوشت متهم قتل عمد را تحت الشعاع قرار دهد و روند دادرسی را با چالش‌های اساسی مواجه سازد. مذاقه در پرونده‌های قتل عمد حکایت از آن دارد که وکلای تسخیری با دو آسیب عمده در مواجهه با نظریات کارشناسی روبه‌رو هستند: نخست، عدم اعتراض به محتوای این نظریه‌ها؛ و دوم، ناتوانی در رفع ابهام و اجمال موجود در آن‌ها.

در پرونده شماره ۱۴۰۱۱۲۹۲۰۰۲۵۸۰۹۳۷، بازپرس پرونده نظریه‌های متعدد پزشکی قانونی را پیرامون «نوعاً کشته بودن» رفتار مجرمانه متهم دریافت کرده است. حتی در جلسه‌ای، نمایندگان پزشکی قانونی و یک خبره در ورزش‌های رزمی صراحتاً به غیرکشته بودن این رفتار اذعان کرده‌اند. با این حال، دفاعیات وکیل تسخیری در جلسه به این صورت ارائه شده است: «موکل زیر ۱۸ سال است و با توجه به دفاعیات وی، قصد ارتکاب قتل را نداشته است. تقاضای منع تعقیب وی از اتهام قتل عمد را دارم». در پرونده شماره ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰۱۸۴۸۶۰۸، متهم تأکید داشته است: «من مواد مصرف کرده بودم، در حال خودم نبودم و علت درگیری این بود که به مرحوم گفتم موادی که به من بدهکاری یا خودش بده یا پولش، ولی گوش نکرد و من هم کاردی انداختم که به گردن او گرفت»، در این پرونده، اگرچه پزشکی قانونی در نظریه اولیه به سلامت قوه تمیز و اراده متهم

اشاره کرده، اما با وجود ابلاغ این نظریه، وکیل تسخیری هیچ گونه اعتراضی به آن نداشته و در دفاعیات خود این مسئله را نادیده گرفته است.^۱ در پرونده شماره ۱۴۰۱۱۲۹۲۰۰۲۵۸۲۱۵۳ نیز واحد روان پزشکی قانونی تنها درخصوص وضعیت روانی متهم هنگام معاینه اظهار نظر کرده و درمورد وضعیت روحی او در زمان ارتکاب قتل اظهارنظری نکرده است. با این همه اما، پس از ابلاغ این نظریه، وکیل تسخیری متهم هیچ دفاعی مبنی بر ضرورت بررسی وضعیت روانی حین ارتکاب قتل ارائه نکرده است. این در حالی است که متهم از ابتدای تحقیقات مکرراً بیان داشته که در زمان وقوع قتل در حالت مستی بوده و جزئیات واقعه را به خاطر نمی آورد. به همین جهت است که نتایج پژوهش های علمی نشان از وکالت بد کردن، وکلای تسخیری دارد (Turvey & Cooley, 2014: 255)، گویی این نهاد تمایل دارد که تحویل دهنده به زندان باشد (Mcintyre, 1987: 2).

مصاحبه شونده شماره ۲۰ معتقد است:

در بسیاری از نزاع ها، متهمان شرب خمر کرده و در جریان دورهمی با یکدیگر درگیر شده اند، قانون گذار درخصوص تأثیر شرب خمر یا مواد بر اراده و قوه تمیز، رویکردی صفر و صدی اتخاذ کرده است؛ به طوری که یا سلب کامل اراده و تمیز اتفاق می افتد یا چنین اثری ندارد. در پرونده هایی که به طور کامل زایل نمی گردد، وکیل تسخیری می تواند در موارد سازش شده، تقاضای تخفیف مجازات موکل خود را بخواهد که تاکنون با چنین دفاعی مواجه نشده ام.

مصاحبه شونده شماره ۲۱ می گوید: «به خاطر ندارم که تاکنون وکلای تسخیری اعتراضی به نظریات کارشناسی در حوزه اسلحه و مهمات مطرح کرده باشند. ولی بارها

۱. بررسی پرونده های قتل عمد نشان می دهد که در تمامی آن ها، متهم بلافاصله پس از تفهیم اتهام و در مراحل ابتدایی تحقیقات، برای ارزیابی وضعیت روانی، قوه تمیز و اراده به پزشکی قانونی معرفی می شود. درباره چرایی این اقدام، مصاحبه شونده شماره ۵ چنین توضیح می دهد: «این موارد به دنبال رویه سازی دیوان عالی کشور است، زیرا در مواردی که متهم به وضعیت روانی نامطلوب خود اشاره داشته است، دیوان به جهت عدم توجه به دفاعیات او یا وکیل وی، دادنامه صادره را نقض کرده و بر لزوم اخذ نظر پزشکی قانونی تأکید داشته است».

شاهد اعتراض وکلای تعیینی به این نظریات بوده‌ام. در این راستا می‌توان به برخی پژوهش‌ها در دیگر کشورها اشاره کرد که در آن به بررسی اثربخشی دفاع وکلای تسخیری پرداخته‌اند. به موجب یک پژوهش بیان شده است که در نظام عدالت کیفری ایالات متحده آمریکا وکلای تسخیری بیشتر دغدغه تضمین هرچه کارآمدتر پذیرش تقصیر و اثبات جرم از سوی متهم را دارند تا اینکه با جسارت از موکلان خود دفاع کنند (Blumberg, 1967: 23).

۲-۳-۴. لزوم اعتراض به قرار بازداشت

رعایت حقوق دفاعی متهم، یکی از مسائل بنیادین دادرسی کیفری به‌شمار می‌رود. متهم در پناه اصل برائت قرار دارد و تا زمانی که اتهام وی در دادگاه صالح به‌موجب حکم قطعی اثبات نشده است، محدودیت بر آزادی (بازداشت) یا دیگر محدودیت‌های اعمال شده بر وی باید تفسیر مضیق شود (السان و آقابابایی، ۱۴۰۱: ۸۵). در صورتی که قرار محدودکننده آزادی، اعم از قرار بازداشت یا تأمین منتهی به آن صادر شود، مواد ۲۲۶ و ۲۳۹ قانون آیین دادرسی کیفری این حق را برای متهم یا وکیل وی پیش‌بینی کرده‌اند که ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ، نسبت به قرار بازداشت یا اصل قرار منتهی به بازداشت و یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند.

بررسی پرونده‌های متعدد قتل عمد در رویه قضائی ایران نشان می‌دهد که صرف‌نظر از نوع و کیفیت ادله موجود، اغلب قرارهای تأمین صادره به‌صورت بازداشت موقت یا قرار وثیقه با مبالغ هنگفت است، به‌نحوی که بسیاری از متهمان قادر به تودیع وثیقه نیستند.^۱ بی‌تردید، در مواردی که متهم به قتل عمد اقرار کرده و احتمال فرار وی وجود دارد، به‌ویژه زمانی که ولی‌دم خواهان قصاص هستند، صدور قرار بازداشت موقت به‌عنوان تأمین متناسب ضروری است (خالقی، ۱۳۹۵: ۲۵۳)، اما درخصوص متهمانی که دلایل قوی و روشن بر انتساب اتهام به آن‌ها وجود ندارد، ضروری است که پس از صدور قرار بازداشت

۱. برای مثال، در پرونده شماره ۱۴۰۱۱۲۹۲۰۰۴۳۱۵۲۶، قرار تأمین متهم از نوع وثیقه به مبلغ یکصد میلیارد ریال بوده است. چندان که متهم پرونده اذعان داشته حتی معرفی یک کفیل نیز برای وی دشوار است.

یا در موارد ابقای آن، اعتراض لازم انجام شود. این اقدام نه تنها از نقض اصل برائت جلوگیری می‌کند، بلکه به عنوان یکی از الزامات دادرسی عادلانه، حق دفاع متهم را تضمین می‌نماید (باقری نژاد، ۱۴۰۱: ۳۹۹). این مهم در پرونده‌های دارای وکلای تسخیری، از وظایف اوست که ضمن مطالعه و بررسی دقیق ادله موجود در پرونده، در صورت مشاهده عدم تناسب در قرار صادره، اعتراض کند. با وجود این، بررسی پرونده‌های مورد استناد حکایت از آن دارد که در موارد متعددی، وکلای تسخیری از انجام این وظیفه غفلت ورزیده‌اند، برای مثال، در پرونده شماره ۱۴۰۰۱۲۳۹۰۰۰۲۵۳۶۶۲۱۹، متهم اقدام به قتل عمد فرزند خود کرده و ماه‌ها در بازداشت موقت بوده است و ولی دم نیز اعلام رضایت کرده‌اند، به رغم اینکه قرار بازداشت موقت در نوبت‌های متوالی تمدید و ابلاغ شده، هیچ گونه اعتراضی از سوی وکیل تسخیری نسبت به این قرار نشده است. در این موارد گویی وکیل صرفاً تلاش می‌کند تا به سرعت از شر متهم خلاص شود به جای آنکه واقعاً به دفاع از وی بپردازد (Lassiter v. Department of Social Services)، آن‌ها محرک لازم برای یک دفاع و مبارزه واقعی را ندارند و به سرعت پرونده‌های موکلان خود را از رهگذر «معامله اتهام»^۱ به پایان می‌رسانند (Heffernan & Kleinig, 2000: 35).

۲-۵. امتناع از فرجام‌خواهی یا فرجام‌خواهی کلیشه‌ای

براساس ماده ۴۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری و رأی وحدت رویه شماره ۶۹۸، آرای صادره در پرونده‌های قتل عمد، قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور هستند. این امر به متهم و وکیل تسخیری وی اجازه می‌دهد تا به استناد جهات مندرج در ماده ۴۶۴ قانون مزبور، از رأی محکومیت صادره فرجام‌خواهی کند. بررسی عملکرد وکلای تسخیری نشان می‌دهد که فرجام‌خواهی آن‌ها غالباً به صورت کلیشه‌ای، فاقد عمق تحلیلی و بدون خدشه به ادله موجود در دادنامه انجام می‌شود. در پرونده شماره ۱۴۰۱۱۲۹۲۰۰۰۲۷۰۵۷۰۱، وکیل تسخیری در لایحه فرجام‌خواهی خود به طور کلی بیان داشته است: «موکل در جلسات متعدد رسیدگی اتهام وارده را انکار نموده و هیچ یک از

متهمان نیز در ید او سلاح سرد رؤیت نکرده‌اند ... با توجه به انکار متعدد ایشان تقاضای نقض دادنامه فرجام‌خواسته و برائت موکل دارم». همچنین در پرونده شماره ۱۶۵۳۵۶۶/۱۴۰۱۱۲۹۲۰۰۰ لایحه‌ای کوتاه از وکیل تسخیری متهم بدین شرح ارائه شده است:

اگرچه موکل در طول تحقیقات مقدماتی اقرار و اذعان به ارتکاب قتل نموده است و نظریه کمیسیون پزشکی قانونی بر سلامت روانی موکل حکایت دارد، ولی نکته‌ای که در نظریات موصوف مغفول مانده است، آن است که موکل از ابتدا و مراحل اولیه تحقیقات به نوشیدن مسکر اصرار داشته است و ایشان فاقد اراده و قوه تمیز بوده است ...

نگرشی بر پرونده‌های موجود در دادگاه کیفری یک، گویای آن است که در مواردی که حکم قصاص به هر دلیلی ساقط می‌شود و رأی دادگاه مبنی بر محکومیت متهم به حبس تعزیری براساس ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات ۱۳۷۵) صادر می‌گردد، وکلای تسخیری اغلب از اعتراض به این احکام خودداری می‌کنند. این موضوع پرسش‌هایی درباره دلایل چنین رویکردی ایجاد می‌کند. در این زمینه، مصاحبه‌شونده شماره ۱۹ توضیح می‌دهد:

از یک سو، متهم با اسقاط حق فرجام‌خواهی، به رأی صادره تسلیم شده و خواهان اعمال ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری است. در این شرایط، برخی از متهمان با وکیل تسخیری خود مشورت می‌کنند و برخی دیگر چنین نمی‌کنند. در هر صورت، متهم یا وکیل وی لایحه تسلیم به رأی ارائه می‌دهند. از سوی دیگر، رهایی متهم از قصاص به خودی خود موجب می‌شود که اعتراض و درخواست تسلیم به رأی کاهش یابد. در این موارد، گاهی متهم ادعا می‌کند که از حقوق خود مطلع نبوده و وکیل وی نیز یا این موضوع را به وی اطلاع نداده یا خود درخواست اعمال ماده ۴۴۲ را مطرح نکرده است.

۴-۲. مصلحت‌گرایی و عدم چالش با مقام قضائی

یکی از آسیب‌های قابل‌توجه دیگر آن است که در پرونده‌های قتل عمد، وکلای تسخیری با بازپرس و قضات رسیدگی‌کننده چانه‌زنی نمی‌کنند و جانب احتیاط و مصلحت را نگه می‌دارند، حال آنکه در زمان معرفی به‌عنوان وکیل تعیینی، تا جایی دفاع می‌کنند که با قضات وارد چالش می‌شوند و حتی فرایند تحقیقات و رسیدگی را از منظر نقض اصول دادرسی منصفانه و حقوق دفاعی متهم، به‌طور جدی زیر سؤال می‌برند. با بررسی برخی پرونده‌ها و مصاحبه‌ها، این مسئله تبیین خواهد شد.

در پرونده شماره ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰۰۱۲۹۲۰۴۹، زمانی که تحقیقات تا حد زیادی تکمیل شده است، بازپرس پرونده طی مکاتبات اقدام به تعیین وکیل تسخیری می‌کند. پس از معرفی وکیل تسخیری و حضور وی، بازپرس قرار عدم دسترسی به پرونده را صادر می‌کند. این قرار به‌صورت حضوری به وکیل تسخیری ابلاغ شده است و تنها اقدامی که ایشان می‌کند امضای ذیل قرار به نشانه ابلاغ به وی است. در جلسه آخرین دفاع، دفاعیات خود را به این شرح ارائه می‌دهد: «... نظر به اینکه اینجانب به‌عنوان وکیل تسخیری متهم معرفی شده‌ام و از آنجا که موکل به ارتکاب قتل نزد مأمورین و بازپرسی اقرار نموده است، در حال حاضر دفاع قابل‌بیانی وجود ندارد». این نوع عملکرد، ضرورت بازنگری در وظایف و مسئولیت‌های وکلای تسخیری در حفظ حقوق دفاعی متهم را آشکار می‌سازد. در همین چارچوب، مصاحبه‌شونده شماره ۲۲ اظهار می‌دارد: «در پرونده‌های قتل عمد که وکلای تسخیری حضور دارند، اغلب این وکلا رویکردی منفعلانه اتخاذ می‌کنند و تصمیم بازپرس را با هر عنوانی، فصل‌الخطاب می‌دانند. حتی در برخی موارد، اعتراض به قرارها توسط خود متهم و از طریق ارسال عریضه از زندان انجام می‌شود». در مقابل، در پرونده شماره ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰۰۷۴۷۲۱۲ که وکیل تعیینی معرفی شده بود، وکیل متهم نسبت به قرار عدم دسترسی صادرشده توسط بازپرس اعتراض کرد. هرچند اعتراض وی در دادگاه رد شد، اما از آنجا که قرار عدم دسترسی فاقد مهلت قانونی مشخص است، وکیل متهم در زمان اعتراض به قرار ابقای بازداشت موقت، همواره به عدم دسترسی به محتویات پرونده نیز کنایه وارد کرده و متعرض این موضوع شده است.

عقل و انصاف ایجاب می‌کند که با پیچیده‌تر شدن مسائل حقوقی، متهم بتواند برای دفاع مؤثر از خود و دستیابی به دادرسی عادلانه از وجود وکیلی مسلط و آگاه به امور حقوقی بهره‌مند باشد (سلیمیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۱). با این حال، عدم چالش وکلای تسخیری با قضات در پرونده‌هایی که دارای متهمان متعدد است و هر یک ضربه‌ای به مقتول وارد کرده‌اند، جلوه بیشتری دارد، زیرا تشخیص متهم اصلی برای مقام قضائی با دشواری‌های بسیاری همراه است. برای نمونه، در پرونده شماره ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰۵۸۱۸۱۵۹، پزشکی قانونی علت تامه فوت را «شوک هموراژیک به دنبال خون‌ریزی شدید ناشی از آسیب عروق، عضلات و احشا بر اثر جسم نوک‌تیز و برنده به ناحیه تنه» اعلام کرده است. کاوش در پرونده گویای آن است که هر دو متهم مجهز به سلاح سرد بوده و ضربات متعددی به نواحی سینه و قلب مقتول وارد کرده‌اند. در این پرونده، وکیل تعیینی یکی از متهمان، با ارسال لوایح متعدد، محتویات پرونده، اظهارات متهمان و تحقیقات پلیس آگاهی را به‌طور مکرر به چالش کشیده است. در مقابل، وکیل تسخیری متهم دیگر بدون توجه به جزئیات پرونده و دفاعیات متهمان، صرفاً به ارائه دفاعیات کلی بسنده کرده است. بدون تردید، این نوع دفاع سطحی و غیرکارشناسانه یکی از دلایل اصلی اتخاذ تصمیم بازپرس مبنی بر صدور قرار جلب به دادرسی برای موکل وی و در مقابل، صدور قرار منع تعقیب برای متهم دیگر بوده است. این پرونده به‌وضوح گویای این است که گاهی وکلای تعیینی با دقتی موشکافانه به تمامی جوانب پرونده و تصمیمات کنشگران نظام عدالت کیفری ایراد می‌گیرند و حتی اقرار موکل خود را ناشی از فشارهای مأموران پلیس آگاهی قلمداد می‌کنند. در همین زمینه، مطالعاتی که در ایالات متحده انجام گرفته، حاکی از نارضایتی متهمان از وکلای تسخیری است، گلایه موکلان این است که آن‌ها تنها چند دقیقه در راهروها قبل از ورود به دادگاه امکان صحبت با وکیل خود را دارند (Heffernan & Kleing, 2000: 36).

۵-۲. اجتناب از تعامل و مذاکره به منظور جلب رضایت ولی دم

شناخت مذاکره و اوصاف و ویژگی‌های آن در انتخاب شیوه و انجام فرایند آن، خصوصاً به وکیل دادگستری، به عنوان شخص متخصص کمک می‌کند تا نتیجه مطلوب‌تری تحصیل کند. از شاخص‌ترین روش‌های جایگزین حل و فصل، سازشگری، میانجی‌گری و مذاکره است (تقی‌پور و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۶). جواز مصالحه در کیفر قصاص را می‌توان در ماده ۳۴۷ قانون مجازات اسلامی مشاهده کرد. ماده ۳۱ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مقرر می‌دارد: «وکلا دادگستری باید ... در دعاوی جزایی که با گذشت شاکی، تعقیب قانونی آن موقوف می‌شود قبل از اقامه دعوی سعی نمایند بین طرفین دعوی سازش دهند و انجام این وظیفه را ... ضمن دفاع تصریح نمایند، همچنین بعد از طرح دعوی و در جریان رسیدگی نیز مساعی خود را در این زمینه معمول دارند». امروزه مداخله وکیل در امر سازش، از راهبردهای مشارکتی کردن سیاست جنایی شناخته می‌شود، به این صورت که وکیل این بار در چهارچوب عدالت ترمیمی و به عنوان یکی از کنشگران فرایند مصالحه - ترمیم، نقش ایفا می‌کند. به این سان، با ورود الگوی عدالت ترمیمی در پرتو مشارکتی شدن سیاست جنایی، نقش وکلای تسخیری در پرونده‌های قتل عمد دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است. در این راستا، وکلای تسخیری باید زمینه‌های لازم برای مذاکره را فراهم کنند و حداکثر تلاش خود را برای دستیابی به سازش با همکاری کارگزاران عدالت کیفری به کار گیرند (نیازپور، ۱۳۹۰: ۱۳۳). آن‌ها باید با توجه به پیش‌بینی نتایج احتمالی پرونده، موکل خود را در جهت کسب رضایت اولیای دم هدایت و ارشاد کنند.^۱

بررسی نگارندگان نشان می‌دهد که در عمل، وکلای تسخیری در پرونده‌های قتل عمد به‌ندرت اقداماتی در جهت حصول سازش انجام داده‌اند. برای مثال، در پرونده شماره ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰۳۸۲۶۳۶۹، وکیل تسخیری در لایحه تقدیمی خود صرفاً به بیان عباراتی

۱. یکی از مصادیق بارز این موضوع، اقرار مکرر متهم در مراحل مختلف دادرسی مبنی بر قصد کشتن مقتول با سبق تصمیم است؛ اقراری که معمولاً فاقد هرگونه ابهام یا خدشه بوده و به‌عنوان دلیلی روشن و قطعی تلقی می‌شود.

همچون «...ضمن عرض تسلیت به خانواده محترم و ابراز همدردی از طرف خود و موکل ...» بسته کرده است، بدون اینکه اقدامی عملی در مسیر ایجاد صلح و سازش صورت گیرد. انفعال وکلای تسخیری در جلسات تحقیقاتی که به صورت توافقی و با هدف دستیابی به سازش طبق تکلیف مقرر در ماده ۱۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری برگزار می‌شوند، اجرای کامل اصل توافقی بودن رسیدگی را مخدوش می‌کند. در راستای بررسی دلایل انفعال وکلای تسخیری در حصول سازش، مصاحبه‌ای با یکی از وکلای تعیینی که در پرونده‌ای مرتبط با قتل عمد موفق به اخذ رضایت شده بود، انجام گرفت (مصاحبه‌شونده شماره ۱۳). وی در این خصوص اظهار داشت:

وکلای تسخیری عمدتاً حضور نمایشی دارند، وقتی نمی‌گذارند، سری نمی‌سوزانند، اغلب متهمان پرونده‌های قتل عمد از بضاعت مالی کافی برخوردار نیستند و وکیل تسخیری نیز، به حق، اگر بخواهد اقدامی جدی در جهت سازش انجام دهد، نیازمند حداقل حمایت‌های مالی است. در اکثر موارد، ولی دم در پرونده‌های قتل عمد حداقل خواهان دیه است و چانه‌زنی وکیل تسخیری بدون پشتوانه مالی دشوار خواهد بود.

۳. راهبردها

در بخش پیشین آشکار شد که چالش‌های موجود در عملکرد وکلای تسخیری پرونده‌های قتل عمد در بستر رویه قضائی چیست. بی‌تردید، ارائه راهکار بدون درک عمیق از علل ایجاد آسیب‌ها، فاقد کارایی و اثربخشی لازم خواهد بود. اصلاحات ساختاری و تقنینی بیش از هر راهبرد دیگری به عنوان ضرورتی انکارناپذیر و فوری مطرح است. اما تا زمان ابتکارات تقنینی، می‌توان آسیب‌های موجود را با تمرکز بر نظارت و کنترل دقیق‌تر بر عملکرد وکلای تسخیری، حمایت مالی و مادی، تخصصی‌سازی، بهبود نگرش و تعامل قضات با وکلا و تقویت استانداردهای حرفه‌ای، کاهش داد. در ادامه، به بررسی و مطالعه راهکارهای عملی برای رفع چالش‌های مطرح‌شده پرداخته خواهد شد.

۳-۱. نظارت بر عملکرد

در نظام حقوقی کنونی، نظارت بر عملکرد انتظامی وکلای دادگستری، مشابه با سایر اصناف، به اعضای کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلای قوه قضائیه سپرده شده که به نوعی، تحقق خودتنظیمی محسوب می‌شود. این نظارت، تضمین‌کننده حقوق شهروندان (موکلان) و مصالح عام دولتی و اجتماعی و از سوی دیگر کارآمدی کانون‌های وکلا در مقام دفاع از حقوق اعضای خود و به‌ویژه به‌عنوان یک نهاد مدنی و در مقام تحقق نظارت دموکراتیک است (واعظی، ۱۴۰۱: ۳۷). به همین منظور، تشکیلاتی در نهادهای مذکور ایجاد شده است تا عملکرد وکلا از منظر انطباق با قانون، اخلاق و آداب حرفه‌ای مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. هرچند بررسی میزان توفیق این مراکز در تحقق فلسفه و اهداف موردنظر به دلیل محدودیت‌های موجود و خروج موضوعی اهمیت چندانی ندارد، اما درخصوص موضوع بحث، یعنی نظارت بر عملکرد وکلای تسخیری در پرونده‌های قتل عمد، برآیند تحقیقات حاکی از آن است که سازوکار مؤثر و اهتمام ویژه‌ای برای این امر وجود ندارد. این مسئله به‌وضوح در پرونده شماره ۱۴۰۱۱۲۹۲۰۰۵۱۶۴۰۰۶ مشهود است؛ پرونده‌ای که در آن علیه وکیل تسخیری اعلام تخلف شده، اما علی‌رغم مکاتبات متعدد مقام قضائی، پاسخی از سوی مرکز وکلا دریافت نشده است. در این باره، مصاحبه‌شونده شماره ۱۵ بیان می‌کند:

در این پرونده‌ها یا نظارتی وجود ندارد و یا بسیار ضعیف است. به‌عنوان نمونه، در یک پرونده علیه وکیل تسخیری اعلام تخلف شد، اما پاسخی از سوی کانون دریافت نشد. همچنین، در پرونده دیگری بر تغییر وکیل تسخیری معرفی شده اصرار داشتیم، اما اقدامی صورت نگرفت. حتی این اصرار و اقدام بعدی که توسط خودمان انجام شد، باعث سوءبرداشت ولی‌دم گردید، به‌گونه‌ای که تصور شد ما در آن پرونده جانب‌داری می‌کنیم.

در مصاحبه‌ای که با یکی از وکلای تسخیری (مصاحبه‌شونده ۸) انجام شد، وی اظهار داشت: «من در یکی از نهادها مسئولیت بررسی تخلفات را بر عهده دارم. ما صرفاً به تخلفاتی رسیدگی می‌کنیم که یا از سوی مقام قضائی ارجاع شده باشد یا شاکی خصوصی داشته باشد. بررسی عملکرد وکلای تسخیری در پرونده‌هایی مانند قتل عمد به این شکل

در دستور کار ما قرار ندارد». همچنین، مصاحبه‌های متعدد دیگری که با مقامات قضائی انجام شده، دلالت بر آن دارد که در حوزه نظارت بر عملکرد وکلای تسخیری، سازوکار قابل دفاعی وجود ندارد.

برای بهبود وضعیت موجود، ضروری است کانون و مرکز وکلا بر تقویت نظارت مستمر و عملکرد حرفه‌ای خود تمرکز کنند. در این راستا، باید از وکلایی استفاده شود که سابقه و عملکرد قابل دفاعی در پرونده‌های قتل عمد داشته باشند. یکی از راهبردهای پیشنهادی این است که تمامی وکلای تسخیری در پرونده‌های قتل عمد، ملزم به ارائه گزارش عملکرد خود شوند، برای مثال، وکلا می‌توانند نسخه‌ای از لوایح تقدیمی را به کانون یا مرکز وکلا ارسال کنند. در صورتی که دفاعیات آنان تأثیر مثبتی در نتیجه پرونده داشته باشد، این تلاش‌ها از سوی کانون یا مرکز وکلا مورد تشویق قرار گیرد. افزون بر این، نهادهای یادشده می‌توانند از شعبه مربوطه درخصوص بازخورد عملکرد وکیل استعلام و با متهم یا محکوم علیه درباره میزان رضایت‌مندی از وکیل مصاحبه کنند. پاسخ این مصاحبه‌ها به صورت غیرمحرمانه نگهداری شود و در ارزیابی‌ها و معرفی مجدد وکلای تسخیری مورد توجه قرار گیرد. برای ارتقای کیفیت عملکرد، ضروری است نواقص شناسایی شده به وکلای مربوطه ابلاغ شود تا با ارائه پیشنهادهای اصلاحی، اقدامات مؤثرتری در پرونده‌های آتی صورت گیرد. در موارد اعلام تخلف از سوی مراجع قضائی، لازم است روند رسیدگی و نتایج اقدامات به اطلاع مرجع مذکور رسانده شود. یکی دیگر از راهکارها، استفاده از وکلای با سابقه و به روز از حیث علمی است، چندان که باید از معرفی وکلای کم سابقه برای کسب تجربه در پرونده‌های حساس، مانند قتل عمد، اجتناب شود.^۱ گفتنی است برخلاف دیدگاه مصاحبه‌شونده شماره ۱۴ که معتقد است «مرجعی که

۱. این موضوع از آن جهت مورد اشاره قرار گرفت که نگارندگان براساس مصاحبه‌های متعدد با قضات و وکلای تسخیری، به این نتیجه رسیدند که بسیاری از وکلای تسخیری در پرونده‌های قتل عمد، کم سابقه و فاقد تجربه کافی بودند. علت معرفی چنین وکلایی نیز، اغلب کسب تجربه عنوان شده است. با این حال، این توجیه در پرونده‌هایی که حیات و ممات متهم به دفاع و عملکرد وکیل وابسته است، کاملاً ناموجه به نظر می‌رسد.

پروانه می‌دهد، خود مسئول نظارت است»، نگارندگان بر این باورند که نظارت نباید صرفاً محدود به کانون و مرکز وکلا باشد. همان‌طور که در مبانی توجیهی وکلای تسخیری مطرح شد، یکی از بنیان‌های اصلی تعیین این وکلا جلوگیری از وقوع اشتباهات قضائی و محکومیت بی‌گناهان است. بنابراین، دستگاه قضائی نیز باید در امر نظارت نقش‌آفرینی کند و از طریق تعامل مؤثر با کانون و مرکز وکلا، این هدف حیاتی را محقق سازد. این اقدامات می‌تواند به بهبود کیفیت خدمات ارائه‌شده توسط وکلای تسخیری و ارتقای اعتماد عمومی به سیستم عدالت کیفری کمک کند.

۲-۳. حمایت مالی

یکی از دغدغه‌های اصلی وکلای تسخیری در پرونده‌های قتل عمد، مسئله حق‌الزحمه آن‌هاست. کوتاهی نهادهای متولی در پرداخت این حق‌الزحمه، با وجود پیش‌بینی آن در تعرفه^۱ یکی از دلایل اصلی چالش‌های مطرح‌شده در این حوزه به‌شمار می‌آید. مصاحبه‌شونده شماره ۷ در این خصوص بیان می‌کند: «من در شعب بازپرسی ویژه قتل عمد در دو پرونده به‌عنوان وکیل تسخیری فعالیت داشتم. در یکی از این پرونده‌ها، متهم به قصاص و در دیگری به پرداخت دیه و تعزیر محکوم شد، اما تاکنون حتی یک ریال بابت حق‌الزحمه به من پرداخت نشده است». همچنین، مصاحبه‌شونده شماره ۲۳ به تأثیر مستقیم مسائل مالی بر عملکرد وکلای تسخیری اشاره می‌کند و می‌گوید:

نمی‌توانید نسبت به جنبه مادی وکلای تسخیری و تأثیر آن بر نحوه دفاع بی‌تفاوت باشید. هر فردی زمانی که مسئولیتی را در قبال اجرت می‌پذیرد، تلاش می‌کند آن را به بهترین نحو انجام دهد. نگاه بسیاری از وکلای تسخیری این است که معرفی آن‌ها

۱. ماده ۸ آیین‌نامه تعرفه حق‌الوکاله، حق‌المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب ۱۳۹۸: «حق‌الوکاله وکیل تسخیری یا معاضدتی دو برابر حداقل تعرفه موضوع این آیین‌نامه است و تا زمانی که وکیل حق‌الوکاله را دریافت نکرده باشد، نیازی به ابطال تمبر مالیاتی و پرداخت سهم کانون، مرکز و صندوق نمی‌باشد». شایان توجه است که براساس ماده ۱۴ این آیین‌نامه، حداقل تعرفه وکلای تسخیری در پرونده‌های قتل عمد، پنجاه میلیون ریال است.

هیچ منفعتی برایشان ندارد، بنابراین حضورشان بیشتر برای رفع تکلیف است. این وضعیت موجب می‌شود که برخی وکلای تسخیری تخلف کنند و با وجود تسخیری بودن، مبالغی را از متهم یا خانواده وی دریافت کنند. تاکنون چندین مورد از این نوع تخلفات مشاهده شده است.

برخی منتقدان عملکرد وکلای تسخیری بر این باورند که دستمزد ناکافی موجب می‌شود تا وکلا تلاش کنند هرچه زودتر به این نوع پرونده‌ها رسیدگی کنند و مابقی وقت خود را برای موکلانی صرف کنند که قادرند حق‌الوکاله کافی را پرداخت کنند (Neubauer, 2008: 157).

برخی از وکلای تعیینی در مقام آسیب‌شناسی تفاوت در نوع و کیفیت دفاع میان وکلای تسخیری و تعیینی، علت اصلی را رایگان بودن وکالت تسخیری می‌دانند. یکی از این وکلا (مصاحبه‌شونده شماره ۲۴) می‌گوید: «وکیل تسخیری بودن یعنی کار مفت کردن؛ کسی برای کار مفت دل نمی‌سوزاند». در همین راستا، تجربیات برخی از محکومان نیز تأییدکننده این مسئله است. برای مثال، محکوم شماره ۲۹ اظهار می‌کند: «به من گفتند که این وکیل رایگان برای من تعیین شده، اما او از من پول زیادی گرفت و هیچ کاری هم برایم انجام نداد». محکوم شماره ۲۷ بیان می‌دارد: «وکیل طرف مقابلم خیلی خوب دفاع می‌کرد، اما وکیلی که برای من تعیین شده بود، فقط یکبار در جلسه رسیدگی با او صحبت کردم. من پولی نداشتم که یک وکیل درست و درمان بگیرم». این شواهد نشان می‌دهد که کیفیت دفاع وکلا تا حد زیادی با شرایط مالی موکلان ارتباط مستقیم دارد. این موضوع با یافته‌های پژوهشی در ایالات متحده نیز همخوانی دارد، جایی که موکلان فقیر غالباً از خدمات حقوقی باکیفیت محروم هستند و خدمات حقوقی به مزیتی برای افراد ثروتمند تبدیل شده است، جای تعجب نیست که کمیسیون فرعی انجمن وکلای آمریکایی از واژه «بحران» برای توصیف نظام دفاع از فقرا استفاده کرده است (American Bar Association, 1995).

نگارندگان بر این باورند که باید بسترهای مناسب برای تشویق و تقدیر از وکلای تسخیری فراهم شود، به‌ویژه از طریق حمایت‌های مالی و مادی که فراتر از پرداخت حق‌الزحمه مصوب باشد. در این راستا تأمین امکانات رفاهی برای وکلای تسخیری به‌عنوان

بخشی از حمایت مادی، می‌تواند انگیزه آن‌ها را افزایش دهد. در مواردی که متهم یا خانواده او مایل به پرداخت مبلغی به وکیل تسخیری هستند، این اقدام با نظارت و هدایت کانون وکلا انجام شود تا از شفافیت نیز اطمینان حاصل گردد. انتخاب وکلای تسخیری برتر و تقدیر از آن‌ها در گردهمایی‌های سالانه می‌تواند حس ارزشمندی بیشتری ایجاد کند. قوه قضائیه علاوه بر تقدیر از کارکنان خود، باید وکلای تسخیری شایسته و متعهد را نیز مورد تفقد و تشویق قرار دهد. این اقدامات به‌ویژه در شرایطی اهمیت می‌یابد که هزینه‌های وکلای تسخیری فراتر از حق الزحمه مصوب است. به گفته مصاحبه‌شونده شماره ۶: «قوه قضائیه برای ارسال هر صفحه لایحه از طریق سامانه، مبلغ ده هزار تومان دریافت می‌کند. هزینه کپی پرونده نیز قابل توجه است؛ مثلاً در یکی از پرونده‌ها، هزینه کپی به یک میلیون و دویست هزار تومان رسید. در چنین شرایطی، کانون و قوه قضائیه از من انتظار دارند که دفاع خوبی ارائه کنم، اما من نیز انتظار دارم که حمایت مالی کافی از من صورت گیرد».

۳-۳. تخصصی‌سازی

گونه‌گونی، گستردگی و ابعاد فنی و تخصصی موضوعات و قوانین، ارائه خدمات حقوقی تخصصی را ضروری می‌سازد. توجیهات تخصصی شدن حرفه وکالت دادگستری، افزون بر حمایت از استفاده‌کنندگان از خدمت وکالت، شامل تأثیرگذاری بر فعالیت‌های قضائی نیز می‌شود. با تخصصی شدن وکالت دادگستری، امکان انجام دفاع مؤثرتر توسط وکلایی که نوعاً از استانداردهای حرفه‌ای بالاتری برخوردارند، فراهم می‌شود. این تخصصی‌سازی لازمه حرفه‌ای‌گرایی^۱ نیز است (Moorhead, 2008: 2). در فرایند پژوهش حاضر، مصاحبه‌هایی با تعدادی از وکلای تسخیری انجام شد. نتایج این مصاحبه‌ها نشان داد که برخی از این وکلای تنها تمایلی به قبول پرونده‌های قتل عمد ندارند، بلکه از دانش و تخصص لازم برای دفاع در چنین پرونده‌هایی نیز برخوردار نیستند. یکی از مسائل مطرح‌شده در این مصاحبه‌ها، فقدان سازوکار مشخص برای مواجهه با این وضعیت است.

در چنین شرایطی این سؤال مطرح می‌شود که آیا وکیل تسخیری حق استعفا دارد؟ به دیگر سخن، وکیل تسخیری گاهی خود را در موقعیتی می‌یابد که نه تمایلی به دفاع از متهم دارد و نه توانایی علمی و عملی لازم برای انجام این کار را در خود می‌بیند. مصاحبه‌شونده شماره ۴ به چالش‌های موجود در رویه معرفی وکیل تسخیری اشاره کرده و بیان می‌کند: «من یک خانم هستم با سه سال سابقه کار، قبل از وکالت، روان‌شناس کودکان بوده‌ام. به من اعلام کردند به‌عنوان وکیل تسخیری متهم به قتل عمد معرفی شده‌اید. من تاکنون فقط یک پرونده کیفری برداشته‌ام و ترجیح می‌دهم این است که در حوزه پرونده‌های حقوقی فعالیت کنم. نمی‌خواهم از متهم قتل عمد دفاع کنم، احساس می‌کنم صلاحیت لازم را ندارم». مصاحبه‌شونده شماره ۱، معضل اصلی قانون و مرکز وکلای معرفی وکلایی می‌داند که نه تخصص دارند و نه تمایل. این اظهارات نشان‌دهنده ضعف‌های ساختاری در نظام معرفی وکلای تسخیری است که نه تنها بر حقوق متهمان تأثیر می‌گذارد، بلکه عدالت کیفری را نیز با چالش مواجه می‌سازد. امروزه، عدم شناسایی قانونی، نبود بسترهای کامل، امکان ایجاد انحصار و مقاومت در برابر تغییر وضعیت موجود، از جمله چالش‌های فراروی تحقق تخصصی‌سازی حرفه وکالت در ایران است (تنگستانی و مرادی، ۱۴۰۱: ۲۵۷).

برای ارتقای دقت و سرعت در رسیدگی‌های قضائی، قانون وکلای دادگستری و مرکز وکلای قوه قضائیه باید به سمت تخصصی‌سازی وکلای تسخیری در محاکمات حرکت کنند. به موجب قانون، در فرایندهای کیفری، به‌ویژه در دادگاه‌ها، متهمان بسیاری وجود دارند که تعیین وکیل تسخیری برای آن‌ها الزامی است. وکیل تسخیری برای دفاع از اطفال و نوجوانان باید از وکیل تسخیری در پرونده‌های پیچیده‌ای چون قتل عمد متمایز باشد. از سوی دیگر، باید به تمایل وکلای تسخیری در قبول پرونده‌ها توجه شود تا احساس نکنند صرفاً مسئولیتی بر آن‌ها تحمیل شده است که باید انجام دهند. برای بهبود این وضعیت، پیشنهاد می‌شود که این دو نهاد، سوابق وکلای علاقه‌مند به فعالیت در حوزه‌های کیفری را بررسی کرده و نظر آن‌ها را درخصوص ورود به پرونده‌های تسخیری جویا شوند. همچنین، از وکلایی که در موضوعات خاص دارای تخصص و موفقیت بوده‌اند، در همان حوزه‌ها استفاده شود. این رویکرد می‌تواند به استفاده بهینه از ظرفیت

وکلای منجر شود و کیفیت دفاع در محاکمات تسخیری را بهبود بخشد، برای مثال، از ظرفیت مصاحبه‌شونده شماره ۴ به عنوان روان‌شناس کودک، در صورت تمایل، می‌توان در جرائم اطفال و نوجوانان بهره جست. شناسایی قانونی موضوع، تدوین معیارهای موجه برای تعیین تخصص وکلای، مرجعیت نهاد صنفی مربوط در اجرای طرح و بهره‌گیری از تجارب سایر کشورها برای کاهش حداکثری چالش‌ها و معضلات پیش‌رو قابل ارائه است (همان، ۱۴۰۱: ۲۵۹).

۴-۳. بهسازی تعامل قضات و وکلای

یکی از دلایل کیفیت ضعیف عملکرد وکلای تسخیری، نبود اعتماد و تعامل میان دستگاه قضائی و وکلای، به عنوان دو رکن اصلی جامعه حقوقی، به شمار می‌آید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۴۵۸). این مسئله در خلال مصاحبه‌ها توسط برخی وکلای و قضات مورد اشاره قرار گرفت. مصاحبه‌شونده شماره ۳، اذعان داشت: «قاضی پرونده، با اینکه بازسازی صحنه قتل را انجام داده است، وقتی من مراجعه کرده و تقاضای مطالعه پرونده را نمودم، قرار عدم دسترسی صادر کرد. بعد از آن هیچ خطاری برای من صادر نشد تا اینکه برای جلسه آخرین دفاع به من ابلاغ کردند. اگر قرار باشد وکیل تسخیری برای مطالعه پرونده و دفاع حضور نیابد، چرا وقت خودشان و ما را هدر می‌دهند». با مطالعه چندین پرونده در شعب ویژه قتل عمد، مشاهده شد که برخی بازپرسان تنها برای اخذ آخرین دفاع، وکیل تسخیری را فرا می‌خوانند. علت این موضوع از مصاحبه‌شونده شماره ۵ مورد پرسش قرار گرفت، وی بیان می‌کند: «این دسته از همکاران تنها برای رعایت تشریفات تحقیقات مقدماتی و جلوگیری از نقض دادنامه دادگاه کیفری یک در دیوان عالی کشور، وکیل را برای آخرین دفاع دعوت می‌کنند». مصاحبه‌شونده شماره ۲ بر این باور است: «وکلای تسخیری که پرونده را مطالعه می‌کنند و سپس خواهان ملاقات با متهم هستند، گاهی اوقات اطلاعات نادرستی به آن‌ها می‌دهند یا حتی از آن‌ها پول دریافت می‌کنند. به نظر می‌رسد که هرچه پرونده بسته‌تر باشد و وکیل پیگیری نکند، بهتر است». برای بهبود تعاملات، شایسته است دستگاه قضائی در راستای تغییر این نگرش‌ها، جلسات متعدد و دوره‌های

آموزشی با همکاری کانون و مرکز وکلا برگزار کند. همچنین، کانون و مرکز وکلا باید در جهت نظارت و کنترل عملکرد وکلای تسخیری که چنین ذهنیت‌هایی را رقم زده‌اند، اقدامات و اصلاحات لازم را انجام و گزارش دهند. علاوه بر این، به محض تعیین وکیل تسخیری، قضات باید ابلاغیه برای مطالعه پرونده به وکیل تسخیری ارسال کنند و تمهیدات لازم برای دفاع مؤثر و ملاقات با متهم را فراهم آورند. در این راستا، قوه قضائیه نیز باید بر عملکرد قضات نظارت و کنترل داشته باشد.

۵-۳. ارتقای استانداردهای حرفه‌ای

استانداردهای حرفه‌ای، مجموعه ضوابطی است که توسط حوزه‌های بخشی و مستقل از مصادر دولتی پیش‌بینی می‌شوند و در زمره اسناد نرم قرار می‌گیرند. قواعد رفتاری^۱ در کنار قواعد اخلاقی^۲ دو قسم استانداردهای حرفه‌ای محسوب می‌شوند (رضائی، ۱۴۰۱: ۲۱۰). قواعد اخلاقی بیانیه ارزشی است و در شکل سیاست‌ها تدوین می‌شود و بیشتر معطوف به جهت‌دهی افکار اعضای حرفه‌هاست، لیکن قواعد رفتاری، ماهیتاً ناظر بر جهت‌دهی تصمیمات ایشان است (اکبریان، ۱۳۸۸: ۳۸). در همین راستا، کانون‌های وکلای کشورهای چون آلمان و آمریکا از دیرباز، پاره‌ای استاندارد حرفه‌ای وضع کرده و به موجب بعضی از آن‌ها، تکالیفی را بر دوش وکلای دادگستری گذاشته‌اند که به وضوح منطبق با استقلال و خودگردانی حرفه آن‌هاست (Horssely & Thomas, 2003: 35). نبود استانداردها و ضوابط حرفه‌ای منسجم، یکی از کمبودهای اساسی حرفه وکالت در ایران است. این خلأ به‌ویژه در خصوص وکلای تسخیری که از سوی مراجع قضائی معرفی می‌شوند، به‌دلیل چالش‌های پیش‌گفته، اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. با بهره‌گیری از تجربیات کشورهای پیشرفته در این زمینه، می‌توان از چالش‌ها و نارسایی‌های موجود کاست. بی‌تردید، طبع کار قضائی و وکالتی که به‌دلیل تنش‌های فراوان آن می‌تواند بر اخلاق حرفه‌ای تأثیر بگذارد، موجب کاهش پای‌بندی به اصول و آداب حرفه‌ای می‌شود. پرونده‌های قتل عمد به‌دلیل

1. codes of conduct
2. codes of ethic

ویژگی‌های خاص خود، در زمره پرتنش‌ترین پرونده‌ها هستند. در صورت عدم مراقبت و حمایت سازمانی از سوی دستگاه قضائی و کانون یا مرکز وکلا، این پرونده‌ها می‌توانند اثرات منفی و جبران‌ناپذیری بر پیکره آداب و شئون کاری قضات و وکلا بگذارند. مصاحبه‌شونده شماره ۲۵ اعتقاد دارد: «من حتی به پرونده‌های تعیینی خودم هم نمی‌رسم، چه برسد به پرونده‌های تسخیری. برای من اهمیتی ندارد که فلان متهم قتل کرده است. با این همه مشغله، که چیزی هم توش نیست و باید بدبینی قضات هم تحمل کنیم، نمی‌ارزد که وقت بگذارم و دفاع مؤثری انجام دهم». در راستای گسترش اخلاق حرفه‌ای در وکالت، تدوین آیین‌نامه‌ای مشخص «اصول اخلاق حرفه‌ای وکلا»^۱ می‌تواند گامی مؤثر باشد. انجام تحقیقاتی پیرامون نوع عملکرد وکلای تسخیری در شعب معرفی شده، از حیث رعایت یا عدم رعایت آداب حرفه‌ای و شئون وکالتی، می‌تواند به شناسایی نواقص موجود کمک کند. برگزاری دوره‌های آموزشی و اخذ آزمون‌های لازم، ازجمله در حوزه روان‌شناسی، همراه با در نظر گرفتن مشوق‌های لازم، نیز اثربخش است.

نتیجه

امروزه تعیین وکیل تسخیری برای متهم به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها در بسیاری از کشورها تبدیل شده است. چه آنکه وکالت از متهم در زمره حقوق و تضمینات دفاعی اوست، حقی که مبتنی بر مبانی و معیارهای مشترک حقوق بشر، فرض بی‌گناهی متهم و تساوی سلاح‌هاست. این ضرورت در وکالت تسخیری از اقتضائات جلوگیری از اشتباهات قضائی، تضمین برابری در برابر قانون و تعهد دولت به تأمین عدالت برای شهروندان است. در همین چارچوب، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، هم‌راستا با اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و همسو با قانون اساسی در سطح ملی، متضمن تحولات و نوآوری‌های قابل‌ملاحظه‌ای در حوزه وکالت تسخیری است. حق برخورداری از وکیل تسخیری، که در تبصره ۲ ماده ۱۹۰ و ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است، تا حد زیادی نظام عدالت کیفری ایران را با معیارهای جهانی هماهنگ کرده است.

این نصوص بر لزوم حضور وکیل تسخیری در مراحل تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به پرونده‌های متهمان قتل عمد، که متضمن مجازات سلب حیات است، تأکید دارد و مقام قضائی را موظف به تعیین وکیل تسخیری در صورت عدم معرفی وکیل توسط متهم می‌کند. با این حال، حضور وکیل در محاکمات تسخیری به‌طور غالب به امری تشریفاتی و مبتنی بر دفاعیات کلی و غیرمؤثر تبدیل شده است. این وضعیت فاصله مشهودی میان فلسفه و آرمان‌های توصیف‌شده در پیش‌بینی وکالت تسخیری و آنچه در عمل و در رویه قضائی ایران رخ می‌دهد، ایجاد کرده است.

بررسی و ارزیابی عملکرد وکلای تسخیری در پرونده‌های قتل عمد، گویای آن است که متولیان نظام عدالت کیفری، کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلای قوه قضائیه، آن‌گونه که باید، اطلاعی از مبانی و اهمیت نهاد وکالت تسخیری و اعتماد به آن ندارند. عدم تعامل مؤثر میان قضات و وکلا و بدبینی متقابل این دو عضو جامعه حقوقی، فقدان نظارت بر عملکرد وکلای تسخیری، اولویت داشتن منافع مالی بر سایر جنبه‌ها، اجباری بودن وکالت تسخیری باوجود عدم تخصص و تمایل و درنهایت ضعف اخلاق و آداب حرفه‌ای، در زمره عللی است که آسیب‌هایی همچون عدم حضور و پیگیری مؤثر در پرونده‌ها، عدم ملاقات و تعامل با متهم، مصلحت‌گرایی، عدم چالش با قضات و بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت متهم (حیات یا ممات)، را رقم زده و موجبات تشریفاتی شدن حضور وکلای تسخیری و ارائه دفاعیات غیرمؤثر و کلیشه‌ای به‌منظور رفع مسئولیت شده است. بی‌تردید، برآیند چنین حضوری، بی‌توجهی وکلای تسخیری به نوع و کیفیت دفاع از طریق پذیرش اصل اتهام، انفعال در برابر معاذیر قانونی و نظریات کارشناسی، و عدم اعتراض به قرارهای قانونی و فرجام‌خواهی کلی است. غلبه بر چالش‌های موجود نیازمند تقویت کنترل دقیق‌تر بر عملکرد وکلای تسخیری از سوی کانون، مرکز وکلا و دستگاه قضائی، به همراه حمایت مالی و مادی از این وکلاست. بهسازی تعامل میان قضات و وکلا، تخصصی‌سازی وکالت تسخیری و ارتقای استانداردهای حرفه‌ای، از اقدامات ضروری در این راستا خواهد بود.

رفع چالش‌های فرارو، پیش از هر راهبرد قضائی، مستلزم اصلاحات ساختاری و تقنینی است. تا آن زمان می‌توان با هدایت رویه قضائی به سمت بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی و با مشاهده تطبیقی و الگوبرداری از تجربیات موفق سایر کشورها، گامی مؤثر در جهت ارتقای کیفیت دفاعیات وکلای تسخیری برداشت. جهت بهبود عملکرد موجود می‌توان نکته‌های ذیل را پیشنهاد کرد:

۱. کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلای قوه قضائیه، صرفاً از وکلایی استفاده کنند که عملکردی قابل قبول و مؤثر در پرونده‌های قتل عمد داشته‌اند. در این راستا، وکلای تسخیری ملزم شوند گزارشی مستند و جامع از اقدامات خود در پرونده‌های محول‌شده ارائه دهند. از شعبه مربوطه درخصوص بازخورد عملکرد وکیل استعلام کنند و میزان رضایت‌مندی متهم یا محکوم‌علیه از وکیل تسخیری، از طریق مصاحبه دقیق و مستند ارزیابی شود. در صورت اعلام تخلف توسط مراجع قضائی، اقدامات لازم جهت بررسی و اطلاع‌رسانی درخصوص روند رسیدگی به تخلف انجام گیرد. از وکلای باسابقه و دارای دانش علمی به‌روز استفاده شود و از معرفی وکلای کم‌تجربه، خودداری شود.

۲. برای ارتقای انگیزه و کیفیت عملکرد وکلای تسخیری، باید بسترهای تشویق و تمجید تقویت و گسترش یابد. به این منظور، برای وکلای تسخیری که در پرونده‌ها عملکرد برجسته‌ای داشته‌اند، حمایت‌های مادی اضافی صرف‌نظر از حق الزحمه قانونی، در نظر گرفته شود. چنانچه متهمی خواستار پرداختی تحت هر عنوان به وکیل تسخیری است، با هدایت و نظارت کانون و دستگاه قضائی، به وکیل پرداخت شود. وکلای تسخیری موفق، باید در گردهمایی‌های سالانه مورد تمجید قرار گیرند و قوه قضائیه علاوه بر تشویق کارکنان خود، وکلای تسخیری کاردان و متعهد را مورد تقدیر قرار دهد.

۳. کانون و مرکز وکلا باید گام‌های مؤثری در جهت تخصصی‌سازی وکلا در محاکمات تسخیری بردارند. برای نیل به این مهم، سوابق و تجربیات وکلای علاقه‌مند به فعالیت در حوزه‌های کیفری، به‌ویژه در موضوعات مرتبط با وکالت تسخیری، به‌دقت مورد بررسی قرار گیرد. در صورت لزوم، نظرسنجی‌هایی از وکلا به عمل آید تا تمایل و

تخصص آن‌ها در زمینه‌های خاص مشخص شود. در هر موضوعی که وکلا دارای تخصص، تمایل و موفقیت بوده‌اند، از ظرفیت‌های آنان بهره‌جویند و به کارگیری شوند.

۴. قضات باید به محض تعیین وکیل تسخیری، به آنان ابلاغ کنند و تمهیدات لازم برای مطالعه پرونده و دفاع مؤثر، از جمله ملاقات وکیل با متهم را فراهم آورند. در راستای گسترش استانداردهای حرفه‌ای در وکالت، تدوین آیین‌نامه‌ای تحت عنوان «اصول و استانداردهای حرفه‌ای وکلا» می‌تواند نقش مؤثری در تعیین معیارهای جامع و واضح برای عملکرد وکلا ایفا کند. علاوه بر این، تحقیق و ارزیابی دقیق درخصوص عملکرد وکلای تسخیری در شعب مختلف از حیث رعایت یا عدم رعایت آداب حرفه‌ای و شئون وکالتی، مؤثر است.

۵. به منظور فراهم آوردن دسترسی فوری متهمان قتل عمد به وکلای تسخیری، کانون و مرکز وکلا باید هر ماه فهرستی از وکلای تسخیری فعال و بانگیزه را تنظیم و به مرجع قضائی اعلام کنند. مرجع قضائی می‌تواند پیش از تعیین وکیل تسخیری، بدون ایجاد شائبه و با رعایت اصول حقوقی، نسبت به ارزیابی شخصیتی متهم اقدام و سپس وکیلی را انتخاب کند که از نظر تعامل و هماهنگی با متهم، بهترین گزینه باشد. در این راستا، پیش از تعیین نهایی وکیل، فضایی برای ملاقات اولیه بین وکیل و متهم فراهم شود تا هر دو طرف بتوانند نظر خود را درخصوص توانایی تعامل و همکاری با یکدیگر بیان کنند. این گام می‌تواند به انتخاب وکلا و متهمان متناسب با ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها کمک و به دفاع مؤثر و بهینه منجر شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آخوندی، محمود (۱۳۹۴)، **شناسایی آیین دادرسی کیفری**، جلد هفتم، تهران: دوران‌دیشان.
- آشوری، محمد (۱۳۷۸)، «نگاهی به حقوق متهم در حقوق اساسی و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری»، **مجله مجتمعی آموزشی عالی قم**، شماره ۳.
- آشوری، محمد (۱۳۷۶)، **عدالت کیفری (مجموعه مقالات)**، تهران: گنج دانش.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵)، **حقوق جزای عمومی**، جلد یک، تهران: میزان.
- استراوس، انسلم و جولیت کرین (۱۳۹۰)، **مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- اکبریان، محمد (۱۳۸۸)، «از بیانیۀ اخلاقی تا کدهای رفتاری»، **مجله منابع انسانی**، شماره ۵.
- السان، مصطفی و علی بخشایش آقابابایی (۱۴۰۱)، «محدوده و آثار اعتراض به قرار منتهی به بازداشت»، **دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضائی**، شماره ۲.
- الهام، غلامحسین و محسن برهانی (۱۳۹۳)، **درآمدی بر حقوق جزای عمومی (واکنش در برابر جرم)**، جلد دوم، تهران: میزان.
- امید، جلیل (۱۳۸۲)، «دادرسی کیفری و حقوق بشر»، **فصلنامه مجلس و پژوهش**، شماره ۳۸.
- امید، جلیل، مرتضی عارفی، محمدجعفر حبیب‌زاده و محمد فرجی‌ها (۱۳۹۷)، «مبانی توجیهی و کالت تسخیری و ارزیابی عملکرد وکلای تسخیری در دفاع از متهمان فقیر در پرونده‌های مواد مخدر»، **مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، دوره ۴۸، شماره ۱.
- باقری‌نژاد، زینب (۱۴۰۱)، «حق داشتن وکیل: از مبانی تا تضمین‌ها»، **حقوق کیفری پویا**، مجموعه مقالات در پاسداشت استاد دکتر محمد علی اردبیلی، تهران: میزان.
- تقی‌پور، محمدحسین، سجاد فلاحتی و مهدی طالقان (۱۴۰۱)، «ملاحظات حرفه‌ای وکیل در مذاکره به‌عنوان روش جایگزین حل و فصل اختلافات»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی ویژه‌نامه استانداردهای وکالت**، دوره ۲۵.
- تنگستانی، محمدقاسم و مهدی مرادی (۱۴۰۱)، «تخصصی‌سازی حرفه وکالت دادگستری در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها»، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۵۲، شماره ۲.
- توجیهی، عبدالعلی و حسین محمد کوره‌پز (۱۳۹۸)، «گونه‌شناسی محدودیت‌های حق دسترسی به وکیل در جرائم امنیتی با تأکید بر مرحله پیش‌دادرسی (مطالعه تطبیقی)»، **مجله پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۲۷.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۳)، **دایره‌المعارف علوم اسلامی**، جلد دوم، تهران: گنج دانش.

- خالقی، علی (۱۳۹۵)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، تهران: میزان.
- خزایی، سیدعلی، احمد اسدیان و جهانبخش سالاریان (۱۳۹۶)، «تعهد وکیل به صداقت در دادرسی عادلانه در پرتو روان‌شناسی و کالت»، **پژوهش‌های اخلاقی**، سال ۸، شماره ۱.
- دیوسالار، نادر و علی نجفی‌توانا (۱۴۰۰)، «مبانی استقلال وکیل و روند حق دفاع در پرتو تحولات تقنینی ایران»، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۳۴.
- رضائی، آزاده (۱۴۰۱)، «وضعیت حقوقی استانداردهای حرفه‌ای وکلای دادگستری (بررسی تطبیقی)»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی ویژه‌نامه استانداردهای وکالت**، دوره ۲۵.
- ریاضت، زینب (۱۳۹۴)، **اصول آیین دادرسی کیفری**، تهران: خرسندی.
- ساعی، سیدمحمد هادی و مریم ثقفی (۱۳۹۲)، «بررسی اعتبار نظریه کارشناس از منظر فقه و حقوق»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۸۳.
- سلیمیان، ابوالفضل و سعید احمدیان (۱۳۹۴)، **وکالت و حق داشتن وکیل در فرایند دادرسی**، تهران: مجد.
- عارفی، مرتضی و جلیل امیدی (۱۳۹۸)، «مبانی و موقعیت وکالت از متهم در اسناد بین‌المللی و نظام عدالت کیفری ایران»، **پژوهشنامه حقوق کیفری**، سال ۱۰، شماره ۱.
- غلاملو، جمشید و محمد فرجیها (۱۳۹۳)، «محکومیت بی‌گناهان: از خطای قضائی تا بی‌گناهی واقعی»، **فصلنامه پژوهش حقوق کیفری**، شماره ۸.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۸)، **حقوق بشر در جهان معاصر، دفتر یکم، درآمدی بر مباحث نظری، مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع**، تهران: شهر دانش.
- قانندی، سعید (۱۴۰۳)، «دفاع مشروع افراطی در فرآیند رسیدگی کیفری ایران (با تأکید بر قتل عمد)»، **مجله پژوهش‌های حقوقی**، دوره ۲۳، شماره ۵۹.
- قدسی، سید ابراهیم، میثم غلامی و امین ملکی (۱۳۹۸)، «جایگاه وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در پرتو تحولات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، **مجله پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۳۷.
- قنبری، حمیرا (۱۳۸۱)، **اصل برائت و اماره مجرمیت**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کارخانه، رضا، محمد ابوعطا و محمد روحانی مقدم (۱۴۰۲)، «نقش وکالت در جلوگیری از اطاله دادرسی در نظام قضائی ایران»، **فصلنامه مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی**، سال ۱۳، شماره ۵۳.
- موذن‌زادگان، حسنعلی و امیرحسین عابدی (۱۴۰۱)، «امکان‌سنجی اقدامات بازپرس در فرآیند دادرسی الکترونیکی»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره ۸۷، شماره ۱۲۳.

- میر کمالی، سیدعلیرضا (۱۴۰۱)، «دسترسی متهم به وکیل در مرحله پیش دادرسی در نظام حقوقی ایران و فرانسه»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی ویژه نامه استانداردهای وکالت**، شماره ۲۵.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۵)، «جایگاه کانون وکلای دادگستری و وکیل در جامعه حقوقی و قانون آیین دادرسی کیفری ایران»، **علوم جنایی تطبیقی در پرتو همکاری های بین المللی**، مجموعه مقالات نكوداشت دکتر سیلویا تلنباخ، به کوشش حسین غلامی، تهران: میزان.
- نیازپور، امیرحسن (۱۳۸۶)، «حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرآیند کیفری: جلوه ای از حقوق شهروندی»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۵۸.
- نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۰)، «وکیل در قلمرو عدالت کیفری: بنیان ها و کارکردها»، **مجله پژوهش های حقوقی**، شماره ۱.
- واعظی، سیدمجتبی (۱۴۰۱)، «مسئولیت انتظامی وکلا و اصول رسیدگی به آن»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی ویژه نامه استانداردهای وکالت**، دوره ۲۵.

(ب) منابع انگلیسی

- American Bar Association (1995), **The Crisis in Indigent Defense**, Washington, D.C.: ABA.
- Ashworth, A. (2010), **Sentencing and Criminal Justice**, Cambridge University Press.
- Blumberg, S. A. (1967), "The practice of law as a confidence game: Organizational cooperation of a profession", **Law and Society Review**, no.1.
- Boillat, Ph., & M. ÓFlaherty (2016), **Handbook on European Law relating to access to justice**, Luxembourg, Publication Office of the European Union.
- Bowen Poulin, A. (2004), "Criminal Justice and Videoconferencing Technology: Remote Defendant", **Tulane Law Review**, no. 78.
- Boyce, C., & Neale, P. (2006), **Conducting in-depth interviews: A guide for designing and conducting in-depth interviews for evaluation input** (Vol. 2). Watertown, MA: Pathfinder international.
- Heffernan, C. W., & J. Kleinig (2000), **From Social Justice to Criminal Justice**, Oxford University Press.
- Holden, P., & S. Balkin (1985), "Quality and Cost Comparisons of Private Bar Indigent Defense System: Contract vs. Ordered Assigned Counsel", **Journal of Criminal Law and Criminology**, Vol. 76, Issue 1.
- Horsley, M., & Thomas, D. (2003), Professional regulation and professional autonomy: Benchmarks from across the professions-the New South Wales experience. **Change (Sydney, NSW)**, no.6(1).

- Jayawickrama, N. (2002), **The Judicial Application of Human Rights Law; National, Regional and International Jurisprudence**, Cambridge University Press.
- McIntyre, J. L. (1987), **The Public Defender: The Practice of Law in the Shadows of Repute**, Chicago, University of Chicago Press.
- McLaughlin, E., & J. Muncie (2001), **The Sage Dictionary of Criminology**, Sage Publication, First Published.
- Neubauer, W. D. (2008), **America's Courts and the Criminal Justice System**, Ninth Edition, Thomson Wadsworth.
- Rattner, A., Turjeman, H., & G. Fishman (2008), "Public versus private defense: Can money buy justice", **Journal of Criminal Justice**, no.36.
- Skolnick, H. J. (1967), "Social control in the adversary system", **Journal of Conflict Resolution**, no.11.
- Spohn, C., & M. DeLone (2000), "when does race matter? An analysis of the conditions under which race affects sentence severity", **Sociology of Crime and Deviance**, no.2.
- Sterling, J. S. (1983), **Retained Counsel vs. the Public Defender: The Impact of Type of Counsel on Charge Bargaining**, in The Defense Counsel 151 (McDonald ed).
- Sue Backus, M., & P. Marcus (2005), "The Crisis in Indigent Defense: A National Perspective", **The Journal of the Virginia Trial Lawyers Association**.
- Van Dijk, P., & G. J. H. Van Hoof (2006), **Theory Practice of the European Convention on Human Rights**, Kluwer Law International, Third Edition.
- Turvey, E., Brent, C., & M. Caraig (2014), **Miscarriage of justice, Actual innocence, forensic evidence, and law**, Academic Press.



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی